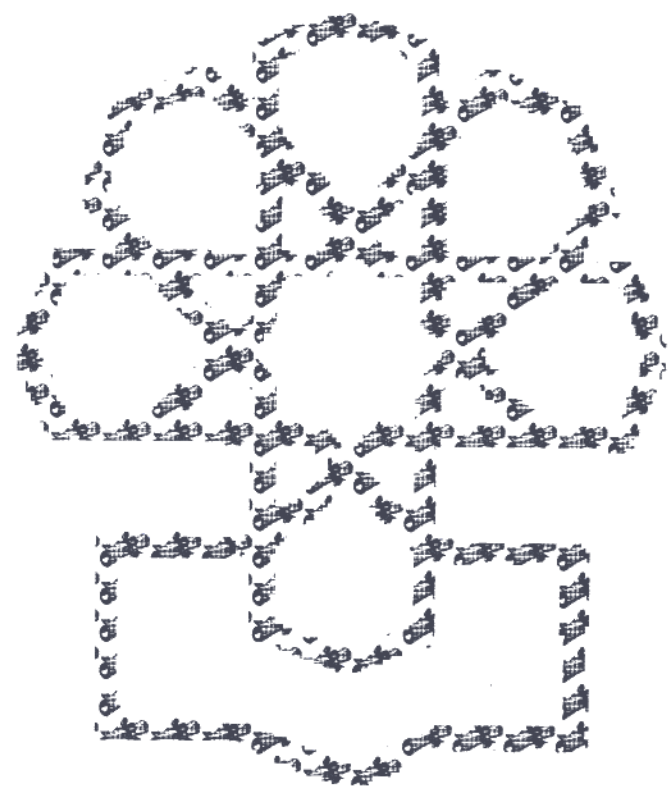


۱۵۷۵
۱۸۷۵



سازمان همکاری اقتصادی (اكو)



معاونت پژوهشی
شهریور ۱۳۷۵

کار: دفتر بررسی‌های سیاسی - اجتماعی
این گزارش بنا به درخواست جناب آقای سید رضا اکرمی
نماینده محترم مجلس شورای اسلامی تهیه گردیده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی فارابی
شماره: ۳۸۲۵
تاریخ: ۱۳۷۵ / ۷ / ۲۴

کد گزارش: ۲۴۰۱۵۷۵

فهرست مطالب

۳	نكات برجسته این گزارش
۸	فصل اول: چگونگی تشکیل سازمان همکاری اقتصادی (اكو)
۸	اولین اجلاس سران کشورهای عضو اكو
۹	دومین اجلاس سران کشورهای عضو اكو
۹	فصل دوم: ساختار سازمانی و تشکیلاتی اكو
۹	شورای وزیران
۱۰	شورای برنامه‌ریزی
۱۰	کمیته‌ها
۱۰	دبیرخانه
۱۰	سازمان‌های تخصصی
۱۱	فصل سوم: وضعیت اقتصادی کشورهای عضو اكو
۱۱	قزاقستان
۱۱	قرقیزستان
۱۲	ازبکستان
۱۲	ترکمنستان
۱۳	تاجیکستان
۱۳	آذربایجان
۱۴	افغانستان
۱۵	تحلیل و بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای عضو اكو
۱۸	موانع موجود در روند همکاری میان اعضای اكو
۱۹	فصل چهارم: وضعیت سیاسی کشورهای عضو اكو
۱۹	کشورهای تازه استقلال یافته
۲۱	ترکیه
۲۲	پاکستان
۲۲	افغانستان
۲۲	نقش قدرت‌های خارجی در منطقه نفوذ اكو
۲۴	موانع موجود در روند همکاری میان اعضای اكو
۲۵	فصل پنجم: وضعیت اجتماعی و فرهنگی
۲۶	موانع موجود در روند همکاری‌های اعضای اكو

۲۶	فصل ششم: روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری های تازه استقلال یافته عضو اکو
۲۹	قراردادهای چند جانبه
۲۹	قراردادهای دو جانبه
۳۱	نگرش غرب
۳۱	ویژگی های روابط
۳۴	پانویس ها

* پس از جنگ جهانی دوم تعداد سازمان‌های منطقه‌ای گسترش یافته و متعاقب تعیین دهه ۱۹۶۰ به عنوان دهه توسعه و عمران و تشکیل کنفرانس توسعه و تجارت وابسته به سازمان ملل متحد، وزیران خارجه سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه در تاریخ دوازدهم تیرماه ۱۳۴۳ موافقت خود را با تهیه طرح‌های ویژه‌ای برای همکاری سه جانبه اعلام کرده و پس از تأیید سران سه کشور، طرح تشکیل سازمان همکاری عمران منطقه‌ای مورد تصویب قرار گرفت. اهداف سازمان همکاری عمران منطقه‌ای که از ساختاری شامل شورای برنامه ریزی، شورای وزیران، دبیر خانه و هفت کمیته تخصصی تشکیل شده بود عبارت بود از: ایجاد مبادله آزاد کالا از طریق وسایل عملی گوناگون از قبیل عقد قراردادهای بازرگانی، برقراری همکاری بیشتر میان اتاق‌های بازرگانی سه کشور، بهبود خطوط حمل و نقل هوایی داخلی در منطقه و تهیه، تنظیم و اجرای برنامه‌هایی به منظور تأمین منافع مشترک.

* پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و متعاقب تغییر شرایط و پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، سازمان همکاری عمران منطقه‌ای به سازمان همکاری اقتصادی (اکو) تغییر نام داد و اولین اجلاس سران سه کشور عضو در بهمن ماه ۱۳۷۰ در تهران برگزار شد و تعداد اعضای این سازمان به ده عضو افزایش یافت. اکنون اعضای اکو عبارتند از: جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، پاکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ترکمنستان و افغانستان.

* بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای عضو اکو به‌ویژه جمهوری‌های تازه استقلال یافته نشان می‌دهد که:

- ۱- این کشورها از نظر توسعه در مراحل نابرابری قرار دارند.
 - ۲- جمهوری‌های تازه استقلال یافته، مشکلات عمده ساختاری دارند که به نحوی به روسیه ارتباط می‌یابد.
 - ۳- وخامت اوضاع اقتصادی (نرخ بالای تورم و بیکاری و...) جمهوری‌های تازه استقلال یافته ثبات سیاسی آنها را به شدت مورد تهدید قرار داده است.
 - ۴- در طول چند سال اخیر، بخش اعظم تجارت خارجی هر یک از کشورهای عضو، با کشورهای خارج از منطقه اکو و بیشتر با کشورهای صنعتی بوده است.
- * موانع موجود در روند همکاری‌های اقتصادی میان اعضای اکو عبارت است از:
- ۱- به دلیل قابلیت‌ها و فرصت‌های متفاوت قابل استفاده کشورهای عضو اکو، تجمع آنها در یک سازمان حتی می‌تواند نابرابری‌های اولیه را تشدید نموده و

موجب توزیع ناعادلانه هزینه‌ها و منافع ناشی از عضویت در سازمان گردد.
۲- از آنجا که کشورهای عضو اکو عمدتاً تولیدکننده مواد خام و اولیه، محصولات کشاورزی و واردکنندگان کالاهای صنعتی هستند، همکاری و تجارت میان آنها در سطح منطقه و جهان به رقابت تبدیل می‌شود.

۳- ناکافی بودن شبکه‌های مناسب و مطلوب حمل و نقل و ارتباطات میان کشورهای عضو به ویژه با توجه به کمبود منابع مالی و سرمایه‌ای، یکی از مشکلات جدی در روند همکاری اقتصادی میان کشورهای عضو اکو می‌باشد.

* ثبات نظام‌های سیاسی کشورهای عضو، توانایی آنان در دفع نفوذ قدرت‌های خارجی و همچنین وجود امنیت، از عوامل مثبت در توسعه روند همکاری‌هاست.
* موانع موجود در روند همکاری‌های سیاسی میان اعضای اکو عبارت است از:

۱- از آنجا که ثبات سیاسی یکی از مهمترین عوامل در تعیین موفقیت یا عدم موفقیت همگرایی اقتصادی است، فقدان ثبات سیاسی و به تبع آن، عدم مشروعیت سیاسی در کشورهای عضو اکو به ویژه جمهوری‌های تازه استقلال یافته، مانع مهمی در پیشرفت همکاری‌ها در چارچوب این سازمان است.

۲- آثار منفی اختلافات ارضی میان اعضای اکو بر روند همکاری میان کشورهای عضو سایه افکنده است.

۳- قدرت‌های بیگانه و به ویژه امریکا و روسیه به نحوی مانع تقویت این سازمان می‌گردند و موضع‌گیری روسیه در مقابل عضویت کشورهای تازه استقلال یافته حکایت از این امر دارد.

* موانع موجود در روند همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی میان اعضای اکو عبارت است از:

۱- وجود اختلافات قومی و زبانی (ترک و فارس) در میان اعضای اکو؛
۲- تعدد تقسیمات نژادی به ویژه در میان جمهوری‌های تازه استقلال یافته عضو اکو؛

۳- تعلق داشتن اعضای اکو به نظام‌های ارزشی و اعتقادی متفاوت.
* جمهوری اسلامی ایران به دلیل هم‌مرزی با پنج کشور تازه استقلال یافته (ارمنستان، قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان و فدراسیون روسیه) از طریق زمین و دریا، از موقعیتی انحصاری و برتر در جهان برخوردار است.

* سیاست خارجی ایران در منطقه، مبتنی بر تأمین امنیت ملی و توسعه و گسترش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با جمهوری‌های تازه استقلال یافته به ویژه اعضای اکو می‌باشد و احداث پروژه راه آهن بافق- بندر عباس به طول ۷۰۰ کیلومتر

و طرح راه آهن مشهد- سرخس - تجن به طول ۲۶۲۰ کیلومتر در همین راستا صورت پذیرفته است.

* جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق هدف گسترش روابط اقتصادی با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، تعداد زیادی قرار داد دو جانبه و چند جانبه با کشورهای یاد شده منعقد کرده است که «عهدنامه ازمیر» و موافقتنامه‌های حمل و نقل جاده‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان از آن جمله است.

* علی‌رغم تلاش‌های فراوان جمهوری اسلامی ایران برای گسترش همکاری‌های اقتصادی با جمهوری‌های تازه استقلال یافته، نکات زیر در این روابط قابل توجه است.

۱- اکثر موافقتنامه‌های منعقد شده فی‌مابین طرفین در زمینه حمل و نقل و ترانزیت کالا بوده و روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با این جمهوری‌ها صرفاً در حد معاملات تجاری موردی آن هم توسط بخش خصوصی می‌باشد.

۲- ایجاد تسهیلات لازم برای ترانزیت کالاهای این جمهوری‌ها در ایران اگر چه در بعد سیاسی از مقبولیت و توجیه فراوانی برخوردار است، ولی از نقطه نظر اقتصاد ملی و سیاست‌های بلند مدت صنعتی، الزاماً حاوی بهترین بازده اقتصادی نیست. * با نگاهی اجمالی به ساختار اقتصادی ساده کشورهای تازه استقلال یافته و تلاش کشورهای غربی در جهت نفوذ و تسلط بر بازارهای این کشورها، به خوبی مبین آن است که هر چه ایران تسهیلات بیشتری برای عبور سریع مواد خام از کشورهای تازه استقلال یافته به سوی کشورهای غربی فراهم کند و یا عبور سریع کالاهای صنعتی از دنیای غرب بر این کشورها را تأمین نماید، عملاً نقش خود را از حالت بالقوه یک پایگاه صنعتی کاهش خواهد داد.

بعد از جنگ جهانی دوم تعداد سازمان‌های منطقه‌ای که هم به لحاظ اقتصادی و هم به جهت تأمین صلح و امنیت منطقه و جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند، گسترش زیادی یافتند. به خصوص پس از تشکیل کنفرانس توسعه و تجارت وابسته به سازمان ملل متحد (انکتاد) در سال ۱۹۶۴ و تعیین دهه ۱۹۶۰ به عنوان دهه توسعه و عمران، کشورهای در حال رشد به این همکاری‌ها سرعت بیشتری بخشیدند.

کنفرانس توسعه و تجارت، کشورهای در حال توسعه را به این باور رساند که باید همکاری و وحدت خود را تقویت نموده و برای رشد تجارت، همکاری منطقه‌ای نزدیکتری را بنا کنند.

با توجه به این امر و به دنبال مذاکرات وزرای خارجه سه کشور ایران، پاکستان در ترکیه در دوازدهم و سیزدهم تیرماه سال ۱۳۴۳ در شهر آنکارا، موافقت گردید که خارج از چارچوب همکاری‌های دو جانبه، مأموران عالی رتبه سه کشور تشکیل جلسه داده و طرح‌های ویژه‌ای را برای همکاری سه جانبه که بر اساس آنها بتوان از امکانات موجود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فنی به نفع ملت‌های سه کشور بهره گرفت، تدوین نمایند.^۱

پس از آن، وزرای خارجه سه کشور در روزهای ۲۷ و ۲۸ تیر ماه ۱۳۴۳ (ژوئیه ۱۹۶۴) کنفرانسی را به منظور تهیه مقدمات و بررسی جهات مختلف این همکاری منطقه‌ای در آنکارا تشکیل داده و متفقاً تصمیم گرفتند که مساعی خود را جهت تشکیل سازمان عمران منطقه‌ای به کار برند. سرانجام در روزهای ۲۹ و ۳۰ همان ماه، کنفرانس عالی سران سه کشور، گزارش وزرای خارجه را تأیید کرد و طرح نوین همکاری منطقه‌ای برای توسعه عمران منطقه یا Regional Cooperation for Development (R.C.D) پذیرفتند.^۲

سازمان مذکور در بدو تأسیس اهداف خود را به شرح زیر اعلام کرد:

- ۱- ایجاد مبادله آزاد یا آزادتر کار از طریق وسایل عملی گوناگون، از قبیل عقد قرارداد جهانی بازرگانی؛
- ۲- برقراری همکاری بیشتر بین اتاق‌های بازرگانی سه کشور و احیاناً اتاق‌های بازرگانی مشترک؛
- ۳- تنظیم و اجرای برنامه‌هایی به منظور تأمین منافع مشترک؛
- ۴- تقلیل نرخ‌های پستی بین سه کشور به میزان تعرفه‌های داخلی؛
- ۵- بهبود خطوط حمل و نقل هوایی داخلی در منطقه و احیاناً ایجاد خط هوایی بین‌المللی مجهز بین سه کشور که توانایی رقابت با سایر خطوط هوایی را داشته باشد.
- ۶- مطالعه درباره امکانات همکاری نزدیک در امر کشتیرانی، از جمله تأسیس یک خط مشترک دریایی و یا تشکیل یک کنفرانس کشتیرانی منطقه‌ای؛
- ۷- انجام مطالعات و بررسی‌های لازم به منظور بهبود وضع ارتباطی و احداث راه و خط راه آهن بین سه کشور؛

۸- عقد قرار داد به منظور توسعه جهانگردی در منطقه؛

۹- لغو تشریفات مربوط به روادید عبور بین سه کشور به منظور تسهیل در امر مسافرت؛

۱۰- اعطا کمک‌های فنی به یکدیگر از طریق اعزام کارشناس و ایجاد تسهیلات مربوط به تصمیم و

پرورش کادرهای فنی؛

۱۱- مطالعه و بررسی کلیه امکانات موجود به خاطر توسعه همکاری در امور فرهنگی بین سه کشور به

منظور ایجاد حس آگاهی در توده‌های مردم نسبت به میراث فرهنگی مشترک و اشاعه اطلاعات لازم درباره تاریخ و تمدن و فرهنگ ملل منطقه.^۳

با توجه با اهداف اعلام شده فوق، سازمان در صدد تشکیل اتحادیه گمرکی و یا ایجاد بازار مشترک نبوده و هدف، بیشتر کاهش تعرفه‌ها و سایر موانع و گسترش تجارت بین سه کشور بود. اگر چه مقامات وقت سه کشور تأکید کرده بودند که هدف‌های سازمان صرفاً اقتصادی، بازرگانی، فنی، اجتماعی و فرهنگی است، ولی وجود منافع سیاسی را در این میان نمی‌توان انکار نمود، چرا که کلیه کشورهای عضو با مسائل و مشکلاتی مواجه بودند که پشتیبانی و حمایت دیگر اعضا را ایجاب می‌کرد.

تشکیلات و عملکرد همکاری عمران منطقه‌ای R.C.D.

تشکیلات همکاری در سال ۱۳۴۳ به وجود آمد. چندی بعد در سال ۱۳۵۵، عهدنامه «از میر» به منظور تقویت فعالیت‌ها به عنوان اساس و شالوده مستحکم آن تنظیم گردید.

همکاری عمران منطقه‌ای دارای ساختاری به شرح ذیل بود:

شورای برنامه ریزی، شورای وزیران، دبیرخانه و هفت کمیته با عناوین کمیته صنایع کمیته بازرگانی، کمیته ارتباطات و حمل و نقل، کمیته اطلاعات، کمیته نفت و پتروشیمی، کمیته همکاری‌های فنی و کمیته هماهنگی. مسؤلان کمیته‌ها توسط رئیس شورای برنامه‌ریزی انتخاب می‌شدند و هر کمیته دارای بودجه‌ای جداگانه بود. جلسات کمیته هر سال دوبار با شرکت نمایندگان سه کشور رو به نوبت در یکی از سه کشور تشکیل می‌شد و مسائل مطرح شده را بررسی نموده و پیشنهادهای جدید و مشکلات موجود را رسیدگی می‌کرد.

پیشنهاد‌های کمیته‌ها به کمیته هماهنگی - که سالی دوبار تشکیل جلسه می‌داد ارائه می‌شد تا با هماهنگی به شورای برنامه ریزی داده شود. در درون کمیته‌ها نیز گروه‌های کارشناسی موضوعات خاص را مورد مطالعه قرار می‌دادند.

در حقیقت سازمان همکاری عمران منطقه‌ای در بدو امر با موفقیت چندانی همراه نبود، اما پس از چندی، در سه کشور چند طرح مانند طرح تولید آلومینیوم در ایران و تولید کاغذ و بلبرینگ در پاکستان به مرحله عمل رسید.^۴

همچنین در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، بیش نویس اساسنامه بانک سرمایه‌گذاری و توسعه و نیز پیش‌نویس مقررات مربوط به همکاری‌های گمرکی و تعرفه‌ای تهیه شده بود اما به علت وقوع انقلاب اسلامی در ایران، متوقف گردیده و دوره فترتی در فعالیت سازمان همکاری ایجاد گردید.

در توضیح عملکرد و وضعیت این سازمان می‌توان گفت که این همکاری زیر بنای مناسبی را برای افزایش توانایی اقتصادی سه کشور فراهم نمی‌ساخت و اصولاً طرح‌های مشترک یا جداگانه‌ای که بر اساس بهره‌برداری از مواهب مشترک یا متعلق به یک کشور ویژه تنظیم شده باشد، وجود نداشت. همکاری‌های سه کشور بیشتر نمایشی بوده و از بازتاب عینی برخوردار نبود. ایران از یک طرف به عنوان کشوری ثروتمند و برخوردار از دلارهای نفتی برای تأمین اقتصاد خود نمی‌توانست در کشورهای همجوار چون ترکیه و پاکستان بازار مناسبی برای عرضه محصولات خویش و از سوی دیگر کشورهای ترکیه و پاکستان نیز فاقد ساختار اقتصادی مناسب و تنها برای دریافت کمک از ایران همکاری می‌کردند.^۵ بنابراین تشکیلات و سازمان پیش‌بینی شده نمی‌توانست نتایج سازنده‌ای به بار آورد.

فصل اول: چگونگی تشکیل سازمان همکاری اقتصادی (اکو)

سال‌های اولیه باعث گردید که سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای علی‌رغم رسمیتی که بر اساس «عهدنامه از میر» یافته بود و نیز تصویب در مجلس شورای اسلامی، روند کندی به خود گیرد. به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۹ فکر انحلال سازمان مزبور مطرح گردید، ولی پس از انجام بررسی‌های کارشناسی در سازمان‌های ذی‌ربط و به ویژه در شرایط جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی ایران توسط کشورهای غربی، مسئله خروج ایران از سازمان مزبور منتفی گردید. با توجه به اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی مبنی بر گسترش روابط با کشورهای همسایه و جهان سوم و نیز دیگر تحولات منطقه که نیاز به وجود سازمانی که بتواند پاسخگوی واقعیات جدید باشد را مطرح می‌کرد، به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران و پیرو اجلاس مدیران کل وزارت امور خارجه سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان که در تاریخ‌های هفتم الی نهم بهمن ماه ۱۳۶۳ در تهران تشکیل گردید، قطعنامه‌ای به تصویب رسید که بر اساس آن سازمان همکاری عمران منطقه‌ای که پیش از وقوع انقلاب اسلامی فعال بود به سازمان همکاری اقتصادی «اکو» تغییر نام یافته و مجدداً آغاز به کار کرد.^۶

فعالیت‌های اکو تا قبل از ورود هفت کشور (شامل شش جمهوری تازه استقلال یافته شوروی سابق و افغانستان) به آن، تقریباً تداوم فعالیت‌های سازمان عمران منطقه‌ای و شاید بتوان گفت احیای پاره‌ای از فعالیت‌ها و اقدامات گذشته بود. همکاری‌های بانکی، احیای دانشکده بیمه، مطالعه در مورد ایجاد بانک سرمایه‌گذاری و توسعه همکاری‌های بیمه‌ای، ایجاد مرکز بیمه اکو در پاکستان، واگذاری امور بیمه‌ای به صندوق مشترک بیمه، بررسی یکپارچه کردن شبکه حمل و نقل سه کشور، مطالعه در مورد ایجاد خط کشتیرانی سه جانبه بین ایران و پاکستان (شرکت کشتیرانی مشترک تأسیس شده است)، همکاری در سایر زمینه‌های دریایی، همکاری‌های پستی مخابرات، همکاری در زمینه‌های صنعتی و کشاورزی و بالاخره مبادله فهرست کالاهای قابل تخفیف تعرفه از جمله این فعالیت‌ها بود.^۷

به دنبال تشکیل اکو، «عهدنامه از میر» در ۱۸ ژوئن ۱۹۹۰ و ۲۸ نوامبر، ۱۹۹۰ در اسلام‌آباد پاکستان اصلاح گردید که بر اساس آن سطح شورای عالی اکو از سطح معاونین وزیران به شورای وزیران کشورهای عضو اکو ارتقا یافته و دامنه فعالیت‌های اکو وسعت بیشتری پیدا کرد. با توجه به اصلاحات انجام شده نیز، زمینه برای پذیرش اعضای جدید و گسترش سازمان هموار گردید.

اولین اجلاس سران کشورهای عضو اکو

اولین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان اکو پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۷ و ۲۸ بهمن ماه ۱۳۷۰ در تهران تشکیل شد. این اجلاس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، زیرا تحولات شگرفی که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق پیش آمده بود و نیز مطرح شدن تقاضای عضویت جمهوری‌های جدید تازه استقلال یافته در سازمان همکاری اقتصادی اکو، اجلاس مزبور نقطه عطف تاریخی و مهمی در فعالیت‌های این سازمان محسوب می‌گردید. در این اجلاس دو روزه، سران دولت‌های عضو با یادآوری تحولات سیاسی و اقتصادی مقرر شده، پیشبرد هدف‌های اقتصادی و زیربنایی اکو را با عنایت به نقش روزافزون آن مورد تأیید قرار دادند. همچنین تقاضای عضویت دولت‌های آذربایجان، ترکمنستان و ازبکستان قبلاً و در

اجلاس وزیران مورخ شانزدهم و هفدهم بهمن ۱۳۷۰ در آنکارا مورد تصویب قرار گرفت. در اجلاس ویژه وزیران در تهران نیز پذیرش عضویت جمهوری‌های تاجیکستان و قرقیزستان نیز متفقاً تصویب گردید.^۸ پس از آنکه در نوامبر ۱۹۹۲، اکو از یک سازمان کوچک سه جانبه، به یک سازمان منطقه‌ای عمده به عضویت ده کشور تبدیل شد، اجلاس‌هایی را به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۵ در تهران، استانبول و اسلام آباد برگزار کرد.

دومین اجلاس سران کشورهای عضو اکو

دومین اجلاس سران اکو در استانبول برگزار شده و ده کشور عضو آمادگی خود را برای گسترش دامنه همکاری‌ها در کلیه زمینه‌های مورد توافق اعلام داشتند. در بیانیه چهار ماده‌ای استانبول، علائق تاریخی و فرهنگی بین کشورهای عضو مورد تأکید قرار گرفته و با توجه به تأثیر تحولات جهان بر منطقه، بر لزوم برقراری صلح و ثبات جهانی و ارتقای سطح مناسبات میان اعضاء تصریح شده بود.

در این بیانیه با توجه به بیانیه‌های منتشر شده در نشست‌های تهران و عشق آباد، ضمن تأکید بر نقش مهم بخش‌های اقتصادی اکو، پیشنهادهایی در زمینه توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی بین کشورهای عضو ارائه شد. در این بیانیه همچنین بر همکاری در جهت استفاده از منابع طبیعی و انسانی برای ارتقای سطح رفاه مردم منطقه نیز تأکید شده بود. و کشورهای عضو اولویت خاصی به توسعه همکاری‌های زیر بنایی و گسترش راه‌های مواصلاتی بین کشورهای عضو این سازمان و سایر نقاط جهان قایل شده بودند. ایجاد روابط مستحکم بازرگانی و همکاری بین نهادهای مالی کشورهای عضو و ایجاد تسهیلات تجاری از دیگر مواد بیانیه مشترک سران اکو در استانبول بود در این بیانیه توافق شده بود که مقر شرکت‌های کشتیرانی و هوایمایی اکو در ایران، مقر بانک تجارت اکو در ترکیه و مقر بیمه اتکایی در پاکستان باشد. در خاتمه اجلاس سران اکو نیز دو یادداشت تفاهم جداگانه در خصوص همکاری‌های کشورهای عضو اکو با «اسکاپ» و بانک توسعه اسلامی به امضاء رسید.^۹

یکی از اساسی‌ترین بحث‌های کنفرانس سران اکو در استانبول، مسأله ایجاد ارتباطات زمینی و هوایی بین کشورهای آسیای میانه دسترسی آنان به آب‌های آزاد از طریق دو کشور عضو (ایران و ترکیه) به ویژه جمهوری اسلامی ایران بود. ایجاد و گسترش راه‌های زمینی نیز در واقع احیای جاده قدیم ابریشم بین ایران، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و آذربایجان محسوب می‌گردید.

فصل دوم: ساختار سازمانی و تشکیلاتی اکو

ساختار سازمانی و تشکیلاتی اکو به شرح ذیل است:

الف - شورای وزیران

شورای وزیران عالیترین مقام تعیین کننده خط مشی است که با شرکت وزرای خارجه سه کشور و دیگر نمایندگان (در سطح وزیر) تشکیل می‌گردد.

شورای قائم مقامها، رکن دائمی این سازمان است که از مدیران کل وزارت امور خارجه و سفرای ترکیه و پاکستان در ایران تشکیل می‌شود. این شورا رویه و خط مشی سازمان را تعیین می‌کند و موضوعاتی را که

مستلزم اتخاذ تصمیم توسط دولت‌های عضو باشد، تنظیم می‌نماید. محل کار اجلاس این شورا در تهران است.

ب- شورای برنامه‌ریزی

شورای برنامه‌ریزی مرکب از رؤسای سازمان‌های برنامه‌دولت‌های عضو یا نمایندگانی که دارای همان اختیارات باشند بوده و حداقل سالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و وظیفه این شورا مطالعه طرح‌های عمرانی و بررسی استعدادها و امکانات تولیدی کشورهای عضو و تعیین طرح‌های مشترک و ایجاد هماهنگی بین طرح‌های همکاری است.^{۱۰}

ج- کمیته‌ها

کمیته‌ها با شرکت نمایندگان کشورهای عضو تشکیل شده و موجبات ارتباط و تماس لازم را در مورد طرح‌های خاص و مشترک بین کشورهای عضو فراهم می‌آورد.

در ابتدای تشکیل سازمان در سال ۱۳۴۳ هفده کمیته وجود داشت اما پس از مدت کوتاهی به این نتیجه رسیدند که کمیته‌های متعدد، کیفیت فعالیت‌ها را پایین می‌آورد. بنابراین تعداد کمیته‌ها با ادغام کاهش یافت. اکنون سازمان همکاری اقتصادی دارای هفت کمیته به شرح زیر است:

۱- کمیته اقتصادی و بازرگانی؛ ۲- کمیته صنعتی و فنی؛ ۳- کمیته حمل و نقل و ارتباطات؛ ۴- کمیته کشاورزی؛ ۵- کمیته علمی و آموزشی و فرهنگی؛ ۶- کمیته انرژی؛ ۷- کمیته زیربنایی و امور عمومی.

دبیرخانه

دبیرخانه به منظور برقراری تماس و ارتباط بین ارگان‌های مختلف کشورهای عضو سازمان تشکیل گردیده است و محل دائمی آن در تهران می‌باشد. وظایف دبیرخانه عبارتند از:

- ۱- تهیه اسناد لازم و تنظیم صورت‌جلسات؛
 - ۲- حفظ ارتباط با دولت‌های عضو و سایر ارگان‌ها؛
 - ۳- تهیه گزارشی سالانه؛
 - ۴- بررسی فعالیت‌های سازمان و ارزیابی موفقیت‌های آن؛
 - ۵- تهیه گزارشی جامع درباره وضعیت اقتصادی کشورهای عضو به منظور تسلیم به شورای وزیران.
- دبیرخانه زیر نظر دبیر کل قرارداد که به تناوب از هر یک از کشورهای عضو بر اساس ترتیب حروف الفبا برای مدت چهار سال انتخاب می‌شود، انجام وظیفه می‌نماید.^{۱۲}

سازمان‌های تخصصی

بر اساس ماده ۳۰ «عهدنامه از میر» سازمان‌های تخصصی اکو در زمینه همکاری مورد نظر میان کشورهای عضو تشکیل می‌شود. در حال حاضر سازمان‌ها و مؤسسات تخصصی اکو به شرح زیر است:

- ۱- اطاق بازرگانی و صنایع اکو؛
 - ۲- مرکز بیمه اکو؛
 - ۳- صندوق بیمه اتکایی اکو؛
- کلیه سازمان‌های تخصصی اکو موظفند:

- ۱- گزارش‌های سالانه فعالیت‌های خود را به دبیرکل تسلیم کنند.
 - ۲- در مورد تصمیمات متضمن اتخاذ در رویه و خط مشی جدید، قبلاً از دبیرکل کسب مجوز نمایند.
 - ۳- با دولت‌های عضو از طریق دبیرخانه مکاتبه کنند.^{۱۳}
- بررسی سازمان اکو نشان می‌دهد که این سازمان از شخصیت حقوقی که لازمه تحقق اهدافش باشد برخوردار نیست. اساسنامه سازمان دارای نواقص و کاستی‌هایی است و برای انطباق با وضعیت جدید، باید اصلاح شود. برخی مفاد اساسنامه مربوط به زمانی است که اکو سازمانی سه جانبه بود و حال باید به گونه‌ای تغییر یابد که اعضاء جدید را نیز در برگیرد. در کنار مشکلات ساختاری مشکلات اجرایی نیز فرا راه این سازمان است. دبیرخانه سازمان باید قدرت و اختیارات کافی داشته باشد تا بتواند به اداره سازمان و ایجاد هماهنگی بین ارکان مختلف آن پردازد.^{۱۴}
- بخش دیگری از مشکلات اجرایی سازمان مربوط به عدم هماهنگی در اجرای برنامه‌های این سازمان است. در موارد متعددی برنامه کار سازمان برای سال آینده بدون توجه به کلیه جوانب امر تهیه می‌گردد و لذا در عمل با مشکلات جدی روبرو می‌شود.

فصل سوم: وضعیت اقتصادی کشورهای عضو اکو

برای بررسی میزان موفقیت و یا عدم موفقیت سازمان همکاری اقتصادی (اکو) و همچنین برآورد امکانات مثبت برای توسعه همکاری و موانع موجود در این راه آگاهی از وضعیت اقتصادی کشورهای عضو به ویژه اعضای جدید آن بین جمهوری‌های جدید الاستقلال از بکستان ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان تاجیکستان و آذربایجان ضرورت دارد.

وضعیت اقتصادی

قزاقستان

این کشور ۲۷۱/۷ هزار کیلومتر مربع وسعت و ۱۷/۶ میلیون نفر جمعیت دارد. جمعیت کشاورزی آن حدود ۸/۱۶۰ میلیون نفر است. معادن موجود در قزاقستان عبارتند از: ذغال سنگ، سنگ آهن، سرب، روی، مس، کرمیت، نفت، نیکل، مولیبدن، آنتیوان، کادیوم، بوکسیت، طلا، نقره و فسفات. صنایع قزاقستان عبارت از: استخراج و ذوب فلزات آهنی و غیر آهنی، صنایع شیمیایی، سوخت، نیرو، ماشین سازی، سیمان، نساجی، صنایع غذایی، خصوصاً کنسرو گوشت و سایر صنایع سبک.

منابع عمده کشاورزی و دامپروری قزاقستان عبارت از: کشت غلات، میوه، سبزی، انگور، نیشکر، سیب زمینی، کتان، تولیدگوشت لبنیات و پشم مرغوب. قزاق‌ها انواع گوسفندها را برای تهیه پشم مرغوب پرورش می‌دهند پوست گوسفند استراخان شهرت زیادی دارد.

قرقیزستان

این کشور ۱۹۸۵۰۰ کیلومتر مربع مساحت و حدود ۴/۵ میلیون نفر جمعیت دارد. جمعیت کشاورزی آن ۲/۰۲۵ میلیون نفر است. واحد پول این کشور «رسام» می‌باشد که برابر با ۲۰۰ روبل است. معادن قرقیزستان عبارتند از: سنگ مرمر، جیوه، اورانیوم، ذغال سنگ، نفت، گاز، سرب، روی، سولفیدهای مس و سنگ

گرانیت مرمر، مس، آهنک و خاک مسی.

صنایع قرقیزستان عبارتند از: تولید نیرو و ذوب فلزات آهن و غیر آهن، استخراج ذغال سنگ، گاز، نفت، ماشین سازی، ماشین آلات کشاورزی، تولید قطعات پیش ساخته ساختمان، تولید سیمان و سایر مصالح ساختمانی، صنایع غذایی گوشت و شکر، نساجی و سایر صنایع سبک. تولیدات کشاورزی این کشور نیز شامل: کشت غله، گندم، نیشکر، تنباکو، کتان، پرورش گوسفند با پشم مرغوب است.

ویژگی اقتصادی دو کشور قزاقستان و قرقیزستان، توسل به اصلاحات جسورانه و اتخاذ سیاست شوک اقتصادی مشابه روسیه است. گام‌ها در جهت خصوصی کردن اقتصاد بسیار سریع بود. و موجب گردید، که اقتصاد به شدت افت کرده و مشکلات و تضادهای گوناگون بروز نماید. بیشتر کارخانجات بزرگ بدلیل مسائل اقتصادی تعطیل شده و تورم و افزایش شدید قیمت کالاها موجب شده که بخشی از مردم از دستیابی به کالاهای اساسی باز بمانند. بدی اوضاع اقتصادی و مشکلات قرقیزستان بیش از قزاقستان است. ۱۵

ازبکستان

مساحت این کشور ۴۴۷/۷ هزار کیلومتر مربع با جمعیتی حدود ۲۱/۲ میلیون نفر است. جمعیت کشاورزی آن ۶۱۴۸ هزار نفر می‌باشد. بخش جنوب شرقی آن دارای آب و هوای سوزنده صحرایی و جنوب غربی آن دارای آب و هوای کوهستانی است.

معادن آن عبارتند از: معادن و منابع عظیم گاز طبیعی و ذخایر نفت، ذغال سنگ، مس، مولیبدن، تنگستن، اورانیوم، طلا، آلومینیوم، فلوریت، نقره، آهن و فولاد.

صنایع ازبکستان عبارتند:

استخراج نفت و گاز طبیعی، تصفیه نفت، ماشین سازی، تولید لوازم عمده ماشین آلات، کشت پنبه و نساجی، صنایع شیمیایی و برق، صنایع نساجی کنسرو سازی میوه و سبزیجات. تولیدات کشاورزی عبارتند از:

پشم، پوست قره گل، برنج و انواع میوه پنبه در سال ۲/۵ میلیون تن پنبه در ازبکستان تولید می‌شود این کشور پس از امریکا و چین، سومین تولید کننده پنبه در جهان است. کنف، کتان هندی، غلات، سبزیجات، انگور و دامداری جهت استفاده از پوست گوسفند. میزان تولید سبزیجات در ازبکستان سالانه بالغ به هفت میلیون تن است.

ترکمنستان

مساحت این کشور ۴۴۸ هزار کیلومتر مربع بوده و دارای چهار میلیون نفر جمعیت است. این کشور از مناطق کم آب جهان محسوب می‌گردد.

منابع معدنی عبارتند از:

ذخایر فراوان نفت و گاز، سولفات، سدیم طبیعی، ید، سولفور، پتاس، سرب، روی، مس، نمک طبیعی. سنگ آهن از معادن مهم این کشور است. از نظر ذخایر گاز در بین جمهوری‌های شوروی سابق دارای مقام دوم بوده و در سال، ۳۰۰ میلیارد متر مکعب گاز صادر می‌کند. نیروی برق آن بیش از نیاز بوده و به جمهوری‌هایی آسیای میانه صادر می‌شود صنایع این کشور عبارتند از: پارچه‌بافی، پالایش نفت و گاز، صنایع غذایی و قالی بافی دستی و ماشینی.

وضعیت کشاورزی: ۳۷/۵ هزار کیلومتر مربع و حدود ۸۰ درصد از خاک این کشور را صحرایی قره قوم

(شن سیاه) تشکیل می دهد. به منظور استفاده از آب رودخانه آمو دریا (سیحون و جیحون) به بزرگترین کانال مصنوعی جهان به طول حدود هزار کیلومتر ایجاد شده، به طوری که از شرق به غرب صحرا را قطع کرده و ۸۵۰ هزار هکتار از اراضی صحرا را زیر آب برده است.

روش دو کشور ازبکستان و ترکمنستان مبتنی بر کنترل کامل روند اقتصادی، تسریع در اصلاحات در عین حال رعایت احتیاط می باشد و لذا میزان افت اقتصادی در آنها به نسبت کم بوده است. اقتصاد ترکمنستان بین کشورهای آسیای مرکزی به طور نسبی رضایت بخش است «کریم اف» رئیس جمهور ازبکستان به این نکته توجه دارد که همزمان با ایجاد اقتصاد بازار باید بهبود وضع زندگی مردم تضمین شده باشد.

تاجیکستان

وسعت این کشور ۱۴۳/۱ هزار کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۹۹۱ میلادی ۵/۵ میلیون نفر بوده است. در همین سال ۸۳۰ هزار نفر در بخش کشاورزی و ۲۶۰ هزار نفر در بخش صنعت فعالیت داشته اند. منابع و معادن طبیعی این کشور عبارتند از: ذخایر آهن، تنگستن، سرب، روی، مس، قلع، جیوه، طلا، اورانیوم، نمک، کلسیم طبیعی، ذغال، نفت و گاز طبیعی و سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی. این کشور با داشتن رودخانه های مهم، از لحاظ تولید انرژی برق دارای مقام دوم است.

صنایع تاجیکستان عبارتند از: تولید برق، استخراج نفت و گاز ذوب فلزات غیر آهن، تولید ماشین آلات پنبه پاکن، صنایع شیمیایی و آلومینیوم، تولید البرز کفش و صنایع غذایی.

وضعیت کشاورزی: مهمترین محصول کشاورزی تاجیکستان پنبه است. گندم، جو، انگور و سایر میوه ها از دیگر محصولات تاجیکستان محسوب می شود. در این کشور کمبود گندم و فرآورده های نفتی وجود داشته و وضع اقتصادی آن بیش از سایر کشورهای آسیای مرکزی دستخوش نابسامانی است. بر اساس آمار، تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۱۹۹۲ نسبت به سال ۱۹۹۱، ۳۱ درصد کاهش داشته و در سال ۱۹۹۳، ۳۱ درصد دیگر نیز کاهش یافته است. وضع اقتصادی این کشور در سال ۱۹۹۴، بهبود ناچیزی یافته است.^{۱۷}

آذربایجان

وسعت این کشور ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۷/۲۲ میلیون نفر است و حدود ۳/۳۳ میلیون نفر از جمعیت کشور در بخش کشاورزی فعالیت می کنند این کشور دارای منابع طبیعی عمده از جمله نفت، گاز و آهن است. تخمین زده می شود که ذخیره نفتی این کشور حدود یک میلیارد بشکه برآورد شده است که سالانه ۱۱ تا ۱۳ میلیون تن از آن استخراج می شود.

صنایع کشور آذربایجان عبارتند از: فولاد، نفت، پمپ سازی، موتورهای الکترونیک، کود شیمیایی، سم سازی، اسیدسازی، لوازم منزل.

محصولات کشاورزی آن عبارتند از: غلات و حبوبات، پنبه، تنباکو و سیب زمینی، سایر سبزیجات انگور، هندوانه، چای.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و کسب استقلال آذربایجان، نفت به مثابه مهمترین عامل توسعه و ترمیم اقتصاد کشور مورد توجه قرار گرفت. و تلاش های زیادی جهت استخراج و فروش و استفاده از درآمد آن انجام یافت.^{۱۸}

افغانستان

غیر از جمهوری‌های تازه استقلال یافته، افغانستان یکی دیگر از اعضاء جدید اکو است که ذیلاً مروری کوتاه و آمارگونه به وضعیت اقتصادی آن داریم.

جمعیت افغانستان در سال ۱۹۸۹ میلادی ۱۵/۴۹۱ میلیون نفر برآورده شده که ۸/۵۸۴ میلیون نفر (حدود ۵۵/۴ درصد) آن در بخش کشاورزی فعالیت می نمودند. وسعت این کشور، ۶۵ هزار کیلومتر مربع می باشد که ۷۹۱ هزار هکتار آن به کشاورزی اختصاص یافته است.

این کشور دارای منابع طبیعی از جمله نفت و گاز در شمال کشور می باشد. درگیر بودن افغانستان در جنگ‌های داخلی، از نظر اقتصادی لطمات جبران ناپذیری به مردم مسلمان این سرزمین وارد کرده است. محصولات عمده کشاورزی این کشور عبارتند از: غلات، گندم، برنج، جو، ذرت، ارزن، سیب زمینی، حبوبات و پنبه.

جدول شماره (۱) - حجم کل مبادلات جهانی کشورهای اکو در سال ۱۹۹۴ (میلیون دلار)

کشور	صادرات		واردات	
	ارزش	درصد	ارزش	درصد
۱- ایران	۱۹۱۶۵	۳۸/۲	۱۲۰۶۱	۲۲/۶
۲- ترکیه	۱۷۳۸۶	۳۴/۶	۲۳۸۷۰	۴۴/۷
۳- پاکستان	۷۳۳۲	۱۴/۶	۸۸۸۴	۱۶/۷
۴- ترکمنستان	۵۴۳	۱/۱	۷۶۴	۱/۴
۵- ازبکستان	۶۹۳	۳/۴	۱۸۱۵	۳/۴
۶- تاجیکستان	۳۱۱	۰/۶	۲۷۵	۰/۵
۷- قزاقستان	۲۷۱۲	۵/۴	۴۲۳۴	۷/۹
۸- آذربایجان	۶۳۷	۱/۳	۷۷۸	۱/۵
۹- افغانستان	۲۹۶	۰/۶	۶۰۲	۱/۱
۱۰- قرقیزستان	۱۱۶	۰/۲	۱۰۵	۰/۲
مجموع	۵۰۱۹۱	۱۰۰	۵۳۳۳۸	۱۰۰

Direction of Trade Statistics (Yearbook), IMF, 1995

مأخذ:

(میلیون دلار)

جدول شماره (۲) - وضعیت کلی مبادلات کشورهای عضو اکو با یکدیگر در سال ۱۹۹۴

کشور	ایران	ترکیه	پاکستان	قزاقستان	افغانستان	آذربایجان	ترکمنستان	ازبکستان	قرقیزستان	تاجیکستان	جمع صادرات
ایران	۰	۷۵۹	۱۲۹	-	-	۶۷	۶۳	-	۱	-	۱۰۱۹
ترکیه	۲۹۴	۰	۵۶	۱۶۲	۱	۹۰	۱۶۹	۸۲	۲۱	۱۱	۸۸۶
پاکستان	۲۹	۴۱	۰	۷	۲۸	-	۱۱	۲۰	-	۱	۱۳۷
قزاقستان	-	۴۰	-	۰	-	۵۲	-	-	-	-	۹۷
افغانستان	-	-	۱۱	-	۰	۱	-	-	-	-	۱۲
آذربایجان	۲۴۱	۱۶	-	۱۸	۱	۰	۱۹	۳	-	۱	۲۹۹
ترکمنستان	-	۶۰	-	-	-	۱۹۶	۰	-	-	-	۲۵۶
ازبکستان	-	۵۴	۱	-	-	۳	-	۰	-	-	۵۸
قرقیزستان	-	۵	-	-	۲	-	-	-	۰	-	۷
تاجیکستان	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	۰	۲
جمع واردات	۵۶۲	۹۸۲	۱۹۷	۱۸۷	۳۲	۴۰۹	۲۶۲	۱۰۵	۲۲	۱۳	۲۷۷۳

Direction of trade Statistics Yearc Book Mf, 1995

ماخذ:

تحلیل و بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای عضو اکو

بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای عضو اکو نشان دهنده این واقعیت است که این کشورها از نظر توسعه اقتصادی در مراحل نابرابری قرار دارند. در زمینه برخورداری از مواد خام و منابع طبیعی، برخی اعضاء نظیر ایران و قزاقستان و یا آذربایجان دارای منابع طبیعی فراوان مانند ذخایر عظیم نفت و گاز و سایر مواد طبیعی و معدنی بوده و برخی چون افغانستان و تاجیکستان در زمینه بسیاری از منابع طبیعی و معدنی به خارج وابسته اند.

از نظر وضعیت طبیعی کشورهای ایران و ترکیه با داشتن اقلیم های بسیار متنوع و مناسب برای کشت انواع محصولات کشاورزی در مقابل کشور تاجیکستان قرار دارند.

از نظر موقعیت ژئوپولیتیک نیز کشوری چون ایران با داشتن سواحل طولانی و دسترسی به آب های آزاد، در منطقه ای استراتژیک واقع شده است، در مقابل، افغانستان از سویی سرزمین کوهستانی بوده و از سویی دیگر برای تبدیل شدن به مسیر ترانزیت منطقه ای و بین المللی نامناسب است.

در مورد نیروی کار، کشوری چون پاکستان با داشتن ۱۲۴ میلیون نفر جمعیت در مقابل ترکمنستان با چهار میلیون نفر جمعیت قرار دارد.

از نظر سطح پیشرفت صنعتی، کشورهایی با تکنولوژی به نسبت پیشرفته نظیر ایران، ترکیه، پاکستان و قزاقستان در مقابل کشورهای عقب مانده ای چون تاجیکستان، قرقیزستان و افغانستان قرار دارند.

واقعیت اقتصادی دیگر این است که تمام اعضاء اکو تقریباً تولید کننده مواد خام و اولیه و محصولات کشاورزی و وارد کننده تولیدات صنعتی هستند.^{۱۹}

این کشورها تأمین کننده مواد خام و اولیه مورد نیاز جهان صنعتی بوده و نیازهای خود را در زمینه کالای مصنوعی از آن کشورها تأمین می کنند. بنابراین، در بازارهای جهانی رقیب یکدیگر بوده و زمینه ای

برای گسترش تجارت میان خود ندارند. از این گذشته اعضای اکو در ساختار اقتصادی سیاسی خود نیز با یکدیگر متفاوتند. ایران، ترکیه و پاکستان گرایش به اقتصاد آزاد دارند در حالی که دیگر اعضا هنوز به اقتصاد متمرکز می‌اندیشند. از این گذشته، هر یک از کشورهای آسیای مرکزی با توجه به تفاوت شرایط طبیعی و پیشرفت اجتماعی، خط مشی خاصی را دنبال می‌کند. مثلاً قزاقستان روش تسریع در اصلاحات اقتصادی را برگزید و با حرارت، مشغول خصوصی کردن اقتصاد و ورود سرمایه‌های غربی برای بهره‌برداری از منابع زیرزمینی و گذار به سوی اقتصاد بازار آزاد است. در حالی که از پاکستان سیاست «ابتد ثبات و سپس توسعه» بدون به مخاطره افکندن امنیت را در پیش گرفته است. روش ترکمنستان بهره‌برداری از مزیت در زمینه منابع زیرزمینی، افزایش صادرات انرژی و حصول ثروت است. به نظر ترکمنستان منابع نفت و گاز این کشور کمتر از عربستان نیست. قرقیزستان و تاجیکستان دشوارترین ایام را می‌گذرانند زیرا این دو کشور در اثر نابسامانی‌های داخلی، از تنظیم هر برنامه‌ای عاجزند.^{۲۰}

از سویی دیگر، جمهوری‌های آسیای مرکزی سال‌ها تحت سیطره اتحاد جماهیر شوروی بودند و این خود بخش‌های مختلف اقتصادی منطقه (کشاورزی، تجارت، صنعت و غیره) را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. فروپاشی شوروی سابق که سوبسیدهای لازم و اعتبارات ضروری برای سرمایه‌گذاری را در اختیار این جمهوری‌ها قرار می‌داد. اما اکنون بی‌تکلیفی این کشورها در اتخاذ اقتصاد مناسب، موجب تنزل تولیدات صنعتی در این کشورها شده است.^{۲۱}

برای مثال تاجیکستان و قرقیزستان از فاصله سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۰ بیش از ۵۳ درصد ظرفیت منفی خود را از دست داده‌اند. در قرقیزستان صنایع فلز کاری و در تاجیکستان تولید گاز و صنایع آلومینیوم، در ترکمنستان صنایع شیمیایی و نفت و در ازبکستان صنایع شیمیایی، فلز کاری و هواپیمایی سیر نزولی پیموده‌اند.^{۲۲}

به طور حتمی می‌توان گفت این کشور مشکلات عمده ساختاری دارند که به نحوی به روسیه ارتباط پیدا می‌کند؛ چراکه زیر بنای اقتصادی آنها بر اساس طرح‌های خاصی که در زمان شوروی سابق به عمل آمده بود به نحوی در یکدیگر تنیده شده، که سر رشته کلیه کارها به مسکو منتهی می‌شود. این ساختارها شامل مهمترین عوامل روند توسعه، به ویژه راه‌های ارتباط و سیستم‌های حمل و نقل پول و یا واحدهای مهم تولیدی می‌شود.^{۲۳}

در نتیجه، جمهوری‌های آسیای مرکزی در شرایطی به اکو پیوسته‌اند که از نرخ بالای تورم و بیکاری در عذاب بوده و وخامت اوضاع اقتصادی آنها به شدت ثبات سیاسی شان را مورد تهدید قرار داده است.^(۲۴) کشور جدید دیگر عضو اکو، افغانستان است که گرچه جزو جمهوری‌های شوروی نبود، اما سال‌ها تحت سلطه مستقیم و غیر مستقیم این نظام سوسیالیستی قرار داشته است.

بررسی وضعیت تجارت خارجی کشورهای عضو اکو نشان می‌دهد که در طول چند سال اخیر، بخش اعظم تجارت خارجی هر یک از آنها با کشورهای خارج از منطقه اکو بوده و شریکان عمده تجاری آنها، کشورهای پیشرفته صنعتی بوده‌اند.

به عنوان نمونه می‌توان گفت که کشورهای آسیای مرکزی تاکنون موافقت‌نامه‌های مهم اقتصادی - صنعتی با شرکت‌های امریکایی - اروپایی، ترک و حتی لبنان منعقد نموده‌اند.^{۲۵}

از سوی دیگر طی سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۸۶ مهمترین طرف‌های تجاری ایران کشورهای انگلستان،

آلمان، ژاپن، ایتالیا و امارات متحده عربی بودند.

در سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ میلادی نیز مهمترین صادرکنندگان کالا به ایران، کشورهای آلمان، ژاپن و ایتالیا و مهمترین واردکنندگان کالا از ایران؛ ژاپن، ایتالیا و هلند بودند.^{۲۶}

در مورد ترکیه، آمار تجارت خارجی این کشور نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۸۹، مبادلات بازرگانی با کشورهای عضو اکو در تجارت خارجی این کشور نقش ناچیزی داشته است. طی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۰، کشورهای آلمان، امریکا و ایتالیا مهمترین شریکان تجاری این کشور بودند. در سال ۱۹۹۳، ۵۱/۳ درصد کل صادرات ترکیه به کشورهای روسیه، امریکا و اتحادیه اروپا و همچنین ۷۱/۲ درصد کل واردات آن از کشورهای اتحادیه اروپا، امریکا، ژاپن، روسیه و عربستان سعودی بود.^{۲۷}

در مورد پاکستان، آمار تجارت خارجی این کشور نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۷۸ حجم بسیار اندکی از تجارت خارجی این کشور در انحصار اکو بوده است. طی سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۸۹ مهمترین شریکان تجاری پاکستان، کشورهای امریکایی، ژاپن، آلمان، انگلستان و هنگ کنگ بودند.^{۲۸}

آمار تجارت خارجی افغانستان نشان می‌دهد که این کشور وابستگی شدیدی به روسیه دارد. در سال ۱۹۹۰ مهمترین صادرکنندگان کالا به افغانستان به ترتیب شوروی، ژاپن و سنگاپور و مهمترین واردکنندگان کالا از این کشور به ترتیب شوروی، آلمان و هند بودند.

در سال ۱۹۹۲، ۸۶/۶ درصد از کل صادرات این کشور به شوروی سابق، تایوان، هند و اتحادیه اروپا، و ۸۱/۲ درصد از کل واردات آن به شوروی، ژاپن، فرانسه و شرق دور بود.^{۲۹}

جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز نیز هر چند به تازگی از زیر سلطه مستقیم روسیه خارج شده‌اند، اما هنوز بخش عمده روابط تجاری آنها با روسیه و اروپای شرقی است.

بررسی تجارت خارجی این جمهوری‌ها نشان می‌دهد که مهمترین شریکان تجاری آنها، کشورهای غیر عضو اکو هستند. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۲، مهمترین شریکان تجاری ترکمنستان در زمینه صادرات، کشورهای آلمان، بلغارستان، چک و اسلواکی و در زمینه واردات، آلمان، هند و چک و اسلواکی بودند.^{۳۰} برای قرقیزستان از همین سال مهمترین شریکان تجاری در زمینه صادرات، کشورهای چین، انگلستان، فرانسه و در زمینه واردات، کشورهای امریکا، چین و فرانسه بودند.

برای قزاقستان مهمترین شریکان تجاری در مورد صادرات، کشورهای چین، سوئد و آلمان و در زمینه واردات، چین، اتریش و کوبا بودند.^{۳۱}

برای تاجیکستان مهمترین شریکان تجاری در زمینه صادرات، کشورهای سوئد، نروژ و اتریش و در زمینه واردات، اتریش، فرانسه و امریکا بودند.^{۳۲}

برای ازبکستان مهمترین شریکان تجاری در زمینه صادرات، کشورهای انگلستان، بلژیک، آلمان و در زمینه واردات، سوئیس، چین و ترکیه بودند.^{۳۳}

برای آذربایجان مهمترین شریکان تجاری در زمینه صادرات، کشورهای انگلستان، ترکیه و امریکا و در زمینه واردات، ترکیه و امریکا و فرانسه بودند.

بر اساس موارد فوق جز دو جمهوری ازبکستان و آذربایجان، در مورد چهار جمهوری دیگر باید گفت بخش اعظم تجارت خارجی آنها با کشورهای غیر عضو اکو انجام می‌شود.

آمار و ارقام نشان می‌دهد تاکنون پیشرفتی در زمینه گسترش تجارت درون منطقه‌ای بین اعضاء اگو حاصل نشده است.

موانع موجود در روند همکاری میان اعضاء اگو

بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای عضو، نتایج ذیل را از حیث تأثیرگذاری منفی به گسترش همکاری میان یکدیگر نشان می‌دهد:

۱- با توجه به توان‌های اقتصادی مختلف کشورهای عضو و همچنین فرصت‌های متفاوت قابل استفاده برای رشد اقتصادی، برخی از اعضاء سازمان بیش از دیگران رشد نموده و لذا تجمع آنان در یک سازمان حتی می‌تواند نابرابری‌های اولیه را تشدید کند.

۲- نابرابری‌های توسعه اقتصادی، موجبات تسلط یک و یا دو کشور عضو را بر کل منطقه به همراه خواهد داشت که در نتیجه به حداقل رسیدن منافع عضویت در سازمان همکاری را برای برخی از اعضاء موجب خواهد شد.

۳- عضویت کشورهای نابرابر از نظر توسعه اقتصادی در سازمان‌های همکاری موجب توزیع ناعادلانه هزینه‌ها و منافع ناشی از عضویت در سازمان خواهد شد.^{۳۴} در نتیجه اعضاء پیشرفته‌تر منافع بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند و همین امر نارضایتی اعضاء کمتر توسعه یافته را به دنبال خواهد داشت. تنش‌هایی که بر اثر نارضایتی بین اعضاء در این زمینه پیش می‌آید، تضادهای سیاسی و ایدئولوژیک را تشدید می‌کند.

۴- اقتصاد اعضاء اگو مکمل یکدیگر نیست. با توجه به این‌که این کشورها عمدتاً تولیدکننده مواد خام و اولیه و محصولات کشاورزی بوده و واردکنندگان کالاهای صنعتی هستند، این امر باعث می‌شود که آنها نتوانند به صورت گسترده با یکدیگر تجارت کنند و لذا در بازارهای جهانی به صورت رقیب یکدیگر در می‌آیند.^{۳۵}

۵- همزیستی کشورهای متفاوت از نظر نظام‌های اقتصادی در یک مجموعه، مشکلات فراوانی را به دنبال دارد. بررسی تجربه‌های همکاری میان کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد در مواردی که اعضاء دارای نظام‌ها و ساختارهای اقتصادی واحد هستند موفقیت بیشتر است. در مورد سازمان اگو، حاکم بودن دو نوع اقتصاد آزاد و اقتصاد متمرکز بر جوامع آنان، مشکلات جدی را در پی خواهد داشت.

۶- سطح نازل تجارت میان اعضاء، یکی از موانع مهم همکاری میان آنهاست.

۷- علاوه بر موارد فوق، در زمینه اقتصادی به ویژه، عضویت اعضاء جدید و ناکافی بودن شبکه‌های مطلوب و مناسب حمل و نقل و ارتباطات بین اعضاء، به ویژه با توجه به کمبود منابع مالی و سرمایه‌ای در این سازمان، از جمله مشکلات جدی در روند همکاری است.

در حال حاضر شبکه‌های حمل و نقل و ارتباطات بین سه کشور اصلی عضو ایران، ترکیه و پاکستان، تقریباً کامل شده است. اما بین این سه عضو با اعضاء جدید علی‌رغم انجام برخی پروژه‌ها مانند راه آهن مشهد، سرخس - تجن، شبکه ارتباطی قابل توجهی وجود ندارد.

البته در زمینه گسترش زیرساخت‌ها و ایجاد شبکه جهانی ارتباطی بین اعضاء اگو اقداماتی انجام شده است ولی تا رسیدن به هدف‌های سازمان در بخش حمل و نقل و ارتباطات، راه‌درازی در پیش است. لازم به ذکر است اجرای مشترک طرح‌های زیرساختی، به کشورهای مربوطه این فرصت را می‌دهد

که همکاری بین خود را در سایر زمینه‌ها تقویت کنند. تاکنون ناکافی بودن زیر ساخت‌های ارتباطی سبب محدود شدن بسیاری از تلاش‌های همگرایی در کشورهای جهان سوم شده است.

فصل چهارم: وضعیت سیاسی کشورهای عضو اکو

عامل دیگری که برای برآورد موفقیت و یا عدم موفقیت هر سازمانی از جمله سازمان اکو اهمیت دارد، موضوع وضعیت سیاسی کشورهای عضو مجموعه است. ثبات نظام‌های سیاسی کشورهای عضو، توانایی آنان در دفع نفوذ قدرت‌های خارجی و همچنین وجود امنیت، از عوامل مثبت در توسعه روند همکاری‌هاست. برای آگاهی از چگونگی این امر در کشورهای عضو سازمان اکو، به بررسی وضعیت کلی سیاسی در این کشورها می‌پردازیم.

کشورهای تازه استقلال یافته

دولت‌های آسیای مرکزی در پی اعلام استقلال خود، با پذیرش دگرگونی‌های جدی در زمینه تبیین ماهیت دولت، فعالیت‌های خود را سازمان دادند. این دولت‌ها که در سال ۱۹۹۱ هنوز نمایندگان دیکتاتوری طبقه کارگر بودند، به تبع رژیم فدراسیون و پس از آغاز سال ۱۹۹۲، ناچار از ایفای نقش دولت‌های مستقل ملی گردیدند.^{۳۶}

انتقال ناگهانی و غیر منتظره کشورهای مورد بحث از وضعیت استعماری به استقلال «دوژوره» (حقوقی)، حسی شدید ناامنی را در اتهام سطوح جامعه اعم از افراد و مقامات کشوری و در روابط درون منطقه‌ای و نیز بین‌المللی به وجود آورد.^{۳۷}

آنها به جای حمایت از جهان‌گرایی کمونیستی، خود را با مواجهه با وظیفه دفاع از منافع ملی دیدند، تکلیفی که انجام آن با توجه به وضعیت موجود چندان آسان نبود، چرا که جمهوری‌های آسیای مرکزی همگی چند نژادی بوده و اگر چه قدرت نسبی گروه‌های مختلف در هر جمهوری تفاوت دارد، اما احتمال درگیری میان جناح‌های مختلف قبیله‌ای - منطقه‌ای مردم بومی در هر جمهوری نیز وجود دارد.

جناح‌هایی که اکثراً ریشه در وفاداری محلی داشته و همواره علت مبارزات قدرتی در داخل ساختارهای سیاسی و اداری هر جمهوری محسوب شده‌اند. در گذشته این رقابت‌ها تحت کنترل مسکو قرار داشت، لیکن پس از استقلال، از آنجا که گروه‌بندی‌های مختلف در صدد چالش توازن قومی موجودند، این رقابت‌ها ظهور مجدد یافته است.^{۳۸}

با توجه به این شرایط، برای انجام اصلاحات سیاسی، تنها حاکمیت کافی نبوده و عوامل دیگری مورد نیاز بود. درست است که از ناسیونالیسم هم می‌توان به عنوان ابزاری جهت تحکیم ساختارهای کشور استفاده کرد. ولی در جایی که مرزهای ملی به هم نمی‌پیوندند، کار برد آن می‌تواند به منبع مهم درگیری‌ها در میان جوامع تبدیل گردد.^{۳۹}

با این وجود، نخستین گام‌های اصلاحات سیاسی در قرقیزستان و سپس قزاقستان برداشته شد. قرقیزستان از میان جمهوری‌های آسیای مرکزی تنها کشوری است که توسط نومنکلاتورهای پیشین و باز ماندگان سیاسی دوران اتحاد شوروی سابق اداره نمی‌شود.^{۴۰}

«عسگر آقایف» رئیس سابق آکادمی علوم قرقیزستان، پیش از دیگر رهبران منطقه، سیاست‌های خود را در جهت توسعه دموکراسی شکل داده است. قزاقستان همچنان تحت حاکمیت «نور سلطان نظر بایف» دبیر اول پیشین حزب کمونیست این جمهوری است. در ازبکستان و ترکمنستان سیاست‌های محافظه کارانه تری دنبال می‌شود و دگرگونی در نهادهای سیاسی بسیار کند است. احزاب حاکم همان احزاب کمونیست تحت عناوین جدید بوده و رهبران هر دو جمهوری نیز همان رؤسای پیشین حزب کمونیست هستند. در هر دو جمهوری، مخالفان دولت سرکوب شده و یا به خارج از کشور پناه برده‌اند.^{۴۱}

در تاجیکستان نیز دولت با جنگ داخلی و کشمکش‌های خونین میان نیروهای اسلامی از یک سو و هواداران نظام پیشین از سوی دیگر، مواجهه بوده است. این درگیری‌ها مشروعیت نظام سیاسی در تاجیکستان را به شدت مورد تهدید قرار داده است.

درگیری‌های داخلی و وجود زمینه‌های تعارض، تنها محدود به تاجیکستان نمی‌شود. بقیه کشورهای آسیای مرکزی نیز کم و بیش درگیر اختلافات ملایم و یا حاد هستند. مثلاً آذربایجان با اقلیت‌های ارمنی و لزگی درگیر است. با توجه به نوع برخورد با آرامنه و جدایی طلبان لزگی، دسته جات مختلف سیاسی به وجود آمده که خود موجب برخوردهای خونین داخلی شده است. در ازبکستان، قومیت‌های مختلف تاجیکی ۳/۹ درصد، تاتار ۴/۲ درصد و روسی ۱۰/۸ درصد حضور دارند و اگر چه تا به حال نشانه‌های بحران ناشی از برخوردهای قومی در این جمهوری مشاهده شده است، اما از لحاظ اقتصادی، شورش‌های اقتصادی اوایل سال ۱۹۹۲ می‌توانست به بحران‌های قومی بینجامد که با درایت رئیس جمهور آن کشور حل شد.^{۴۲}

لیکن علی‌رغم عدم تجلی عملی برخوردهای قومی در این کشور، برخورد و میان احزاب کاملاً مشهود است. حزب حاکم یعنی حزب دموکراتیک خلق، هفتاد درصد سمت‌های پارلمان و کلیه مشاغل عالی دولتی را در اختیار دارد. در حالی که احزاب دیگر در این میان سهم بسیار ناچیزی دارند.^{۴۳}

مهمترین این احزاب «حزب بیرلیگ» است که خواهان تشکیل ترکمنستان بزرگ است. حزب دیگر، حزب احیای اسلامی است که با دو حزب بیرلیگ و دموکراتیک خلق به شدت مخالف است. این حزب خواهان تأسیس نظام اسلامی در مخالفت با ملی‌گرایی است. معاون دبیر کل این حزب معتقد است که در اسلام، ملیت جایی ندارد. اسلام فقط بین مؤمن و کافر تمایز قائل است.^{۴۴}

در ترکمنستان اوضاع تقریباً با ثبات است که یک دلیل عمده آن تداوم حالت اقتدارگرایی رژیم سیاسی این کشور است. در این کشور تنها یک حزب دموکرات که در واقع همان حزب کمونیست سابق است وجود دارد که اهرم سیاسی اصلی اجرای سیاست‌ها و تحقق اهداف رئیس جمهور محسوب می‌شود.^{۴۵}

در تاجیکستان تشکل‌های سیاسی حول دو محور مختلف کمونیسم و خلف آن سوسیالیسم و ملیت‌گرایی فرقه‌ای سازمان داده شده‌اند. از یک سو کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها هم‌اکنون قدرت سیاسی را در اختیار دارند و از سوی دیگر، دو حزب دموکرات احیای اسلامی رویاروی آنها قرار دارد.

در قزاقستان، روس‌ها از اکثریت ۴۰/۸ درصدی در مقابل قزاقستان ۳۶ درصدی برخوردارند. تشکل‌های حزبی این کشور عبارت است از احزاب آزاد که شدیداً ملی‌گراست. علاوه بر آن حزب تحکیم ملی نیز تشکل اقلیت سیاسی رسمی است. در کنار این دو تشکل رسمی حزب غیر رسمی «آلاش» قرار دارد. در قزاقیزستان، قرقیزها از نسبت ۴۷/۹ درصد در مقابل ۲۵/۹ درصد و ۱۲/۱ درصد از بک

برخوردارند. این کشور تا به حال دو بار تا آستانه بحران پیش رفته است. تشکل‌های حزبی قرقیزستان عبارت از حزب شدیداً ملی‌گرای قرقیزستان آزاد و حزب «آلتامکل» که رسمی هستند و حزب کمونیست نیز توسط دولت سرکوب شده است.^{۴۶}

موضوع دیگر که در بررسی وضعیت سیاسی کشورهای آسیای مرکزی و دیگر کشورهای عضو اکو اهمیت دارد و می‌تواند به روند همکاری میان آنان تأثیر گذارد، وجود اختلافات مرزی میان آنان است که می‌تواند آینده روابط این جمهوری‌ها را دستخوش بحران‌های جدی کند.^{۴۷} به عنوان مثال ازبکستان و ترکمنستان بر سر مالکیت آمو دریا و تاجیکستان و ازبکستان به سر شهرهای بخارا و سمرقند اختلاف دارند.

تحقیقاتی که مؤسسات جغرافیایی روس در مورد مسائل ژئوپولیتیک در آسیای مرکزی و قفقاز انجام داده‌اند نشانگر وجود اختلافات ارضی فراوان در بین این جمهوری‌هاست. مانند اختلاف میان ازبکستان و قزاقستان به سر جمهوری قرالباق، ادعای ترکمنستان نسبت به بخشی از اراضی قزاقستان، ادعای تاجیکستان نسبت به بخشی از خاک قزاقستان و ادعای قزاقستان نسبت به بخش‌هایی از سرزمین قرقیزستان و غیر.^{۴۸}

ترکیه

در کشور ترکیه نیز کودتاهای مکرر رخ داده است. در صحنه سیاست خارجی با یونان و بلغارستان مشکلات مرزی دارد. در گذشته، اقلیت ترک زبان در قبرس سبب بروز جنگ‌هایی بین ترکیه و یونان شده است. هنوز هم این مسأله بر روابط دو کشور سایه افکنده است.^{۴۹} ترکیه و یونان هر دو عضو ناتو هستند عضویت ترکیه در ناتو نمی‌تواند تضمینی برای این کشور در برابر یونان باشد.

دو کشور همچنین اختلافاتی به سر نحوه تقسیم فلات قاره دریای اژه دارند که با لازم الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، این اختلافات شدت یافته است.^{۵۰}

ترکیه اختلافاتی نیز با عراق و سوریه بر سر استفاده از رود فرات دارد. از سوی دیگر، طراحان استراتژی دفاعی ترکیه هنوز به تهدیدات روسیه نسبت به امنیت آن کشور به ویژه مجاورت قوای نظامی روسیه در پشت کوه‌های اورال و قفقاز تأکید دارند.^{۵۱}

در صحنه داخلی مهمترین مشکل ترکیه وجود اقلیت بزرگ کرد است که تهدیدی آشکار علیه امنیت ملی این کشور به شمار می‌رود. طی سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۲ بین دولت ترکیه و حزب کارگران کرد درگیری‌های مسلحانه پراکنده و در سال ۱۹۹۲ جنگ‌های پیاپی در جریان بوده است. مداخله نظامی اخیر ترکیه در شمال عراق نیز سبب تشدید بحران شده است.^{۵۲}

پاکستان

پاکستان نیز مواجه با مشکلات عظیم داخلی و خارجی است که ثبات سیاسی این کشور را تحت تأثیر قرار داده است. بحران کشمیر اکنون سال‌هاست که به روابط این کشور با هند سایه افکنده و حتی به بروز جنگ‌هایی بین دو کشور انجامیده است. این بحران در آینده نیز می‌تواند یک منبع بالقوه درگیری بین دو

کشور باشد در بعد نظامی، برنامه هسته‌ای پاکستان مشکلات بزرگی را در روابط این کشور با غرب به ویژه آمریکا ایجاد کرده است. از سوی دیگر، پاکستان از چند دهه قبل شاهد اقدامات خشونت آمیز گروه‌های رقیب برای دستیابی به قدرت بوده است.

افغانستان

افغانستان گذشته از اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان جنوبی، شمالی و غربی، سال‌ها تحت اشغال نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق بوده و اکنون نیز صحنه جنگ خونین بین احزاب رقیب بر سر دستیابی به قدرت است.

نقش قدرت‌های خارجی در منطقه نفوذ اکو

عامل دیگر که در بررسی وضعیت سیاسی کشورهای عضو اکو نباید فراموش کرد، نقش قدرت‌های خارجی است. این قدرت‌ها به ویژه روسیه و آمریکا منافع در منطقه دارند که در مقام ارزیابی چشم انداز اکو، باید آنها را مد نظر قرار داد. شایان ذکر است که در حال حاضر روسیه، مهمترین و بانفوذترین قدرت در میان کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی است.^{۵۳} زیرا همان گونه که قبلاً گفته شد، زیر بنای اقتصادی جمهوری‌های تازه استقلال یافته بر اساس طراحی‌های خارجی که در زمان شوروی سابق به عمل آمده به نحوی به یکدیگر تنیده شده که سر رشته کلیه کارها به مسکو منتهی می‌شود. علاوه به این حضور اقلیت قابل توجه روس در هر یک از جمهوری‌های مذکور که اغلب مشاغل مهم و کلیدی را در بخش‌های مهم اقتصادی در دست دارند نیز گرایش‌هایی که در روسیه برای اعاده اقتدار این کشور و گسترش امپراطوری روسیه مانند عهد تزار را در بررسی نفوذ قدرت این کشور، نباید از نظر دور داشت. روسیه به یمن وجود روس زبانان متخصص و سابقه دیرینه سلطه در این مناطق، سعی دارد زمینه را برای نهادینه سازی اهرم فشار خود توسط اقلیت روسی زبان فراهم نماید.^{۵۴} و در حقیقت می‌توان گفت در روسیه به این جمهوری‌ها به عنوان حیاط خلوت نگریسته می‌شود.^{۵۵} اگر چه روسیه در حال حاضر به خاطر مشکلات داخلی، بحران اقتصادی و سیاسی، تهدید و آگرایی قومی و بحران مذهبی از دخالت در امور داخلی مناطقی که سابقاً تحت سلطه‌اش بودند مقداری کاسته است، اما این به آن معنائیست که روسیه با کاهش نقش خود در آسیای مرکزی موافقت کرده است. عملکرد روسیه در تاجیکستان، ازبکستان، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و چین نشان دهنده آن است که این کشور در هر زمان آماده است به نفوذ و تأثیر خود را در امور منطقه بیفزاید.^{۵۶}

در راستای همین سیاست، روسیه به دنبال الحاق شش جمهوری مسلمان نشین آسیای مرکزی به اکو، بلوک اقتصادی جدیدی مرکب از کشورهای اسلاو تشکیل داد و از این جمهوری‌ها خواست به یکی از دو بلوک (اکو یا اسلاو) بپیوندند. دولت روسیه اعلام کرد جمهوری‌هایی که به اکو ملحق گردند نمی‌توانند عضو اتحادیه اسلاو شوند.^{۵۷}

در مبحث پیرامون وابستگی این جمهوری‌ها به روسیه باید گفت که یکی از مظاهر این وابستگی باقی ماندن واحدهایی از ارتش روسیه در آنهاست این مسأله به ویژه در مورد قرقیزستان که یک مرکز عمده تسلیحات هسته‌ای می‌باشد، صادق است.^{۵۸}

در تاجیکستان هم بخش‌هایی از ارتش روسیه باقی ماندند تا از رسیدن کمک مجاهدان افغانی به چریک‌های مسلمان تاجیک جلوگیری کنند. در سال ۱۹۹۲ این جمهوری‌ها یک پیمان امنیت جمعی با روسیه منعقد کردند که بر اساس آن متعهد به ارائه کمک نظامی به هم پیمانان در صورت نیاز می‌شدند.^{۵۹} سایر قدرت‌های خارجی نیز هر یک به نوبه خود در پی توسعه نفوذ خویش در منطقه اکو هستند. امریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه و سایر کشورها، هر یک به گسترش روابط با اعضای جدید اکو پرداخته و بسیاری از شرکت‌های غربی نیز مشغول سرمایه‌گذاری در منطقه و استخراج نفت خام و سایر فعالیت‌های اقتصادی هستند. به عنوان مثال طرح منطقه آزاد ازبکستان با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی تهیه شده که در این میان بیشترین فعالیت‌ها مربوط به شرکت‌های آمریکایی است. تحریم اقتصادی و نفتی ایران از سوی امریکا و اخراج ایران از کنسرسیوم نفت آذربایجان نیز در همین راستا صورت گرفته است. این اقدامات، نظریه‌ای را که دولت‌های غربی، این مناطق را جزو اولویت‌ها به شمار نمی‌آورند و یا شرکت غرب در رویدادهای منطقه سمبلیک است را رد می‌نماید. برای کشورهای غربی و در رأس آنها امریکا همواره این نگرانی وجود داشته است که تجمعی از کشورهای اسلامی در یک منطقه حساس استراتژیک و به ویژه با حضور ایران می‌تواند پایه و اساسی برای بنیادگرایی اسلامی و تهدیدی علیه منافع آن دولت باشد تلاش غرب در منحرف ساختن راستای فرهنگی - تاریخی آسیای مرکزی به سوی خود از طریق پذیرش آنها در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا، از اهمیت ژئوپولیتیک این منطقه حکایت می‌کند.^{۶۰}

کشورهای منطقه خاورمیانه، نیز در پی کسب حداکثر نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در این منطقه هستند. کشورهای عرب به طور جداگانه هیئت‌هایی به این منطقه فرستادند و مناسباتی نیز در زمینه‌های دیپلماتیک و اقتصادی با جمهوری‌های تازه استقلال یافته برقرار کرده‌اند. در این میان، فعالیت مصر و عربستان سعودی در آسیای مرکزی بر خلاف دیگر کشورهای عربی، از انسجام خاصی برخوردار است و این انسجام تا حدود زیادی ناشی از نقشی است که در نظم جدید منطقه‌ای در خاورمیانه به این کشور واگذار شده است. به عبارت دیگر، این نقش قبل از آنکه جنبه اقتصادی داشته باشد ابعاد سیاسی داشته و هدف مهم آن جلوگیری از گسترش نفوذ ایران و مبارزه با اسلام است. در حقیقت می‌توان گفت فعالیت عربستان سعودی در آسیای مرکزی با ظاهری فرهنگی و یا هدف‌های عمیق سیاسی صورت می‌گیرد.^{۶۱}

پیشروی اسرائیل در زمینه‌های مختلف در جمهوری‌های تازه استقلال یافته، تا حدود زیادی ناشی از این است که اسرائیل با عنوان کردن بهانه‌هایی از جمله جلوگیری از دسترسی دشمنان خود در منطقه به تسلیحات هسته‌ای قزاقستان به نگرانی در مورد سرنوشت یهودیان آسیای مرکزی و غیره، به تقویت نفوذ خود در این منطقه پرداخته است.

موانع موجود در روند همکاری میان اعضای اکو

با توجه به وضعیت سیاسی کشورهای عضو اکو نتایج منفی ذیل بر روند همکاری در سازمان اکو مترتب می‌گردد:

۱- با توجه به فقدان توافق مشترک بر ساختار نظام سیاسی داخلی آینده و نیز نوع رژیم سیاسی مناسب و وجود اقلیت‌های بزرگ قومی، نظام‌های حاکم بر این کشورها فاقد ثبات سیاسی لازم هستند و لذا با توجه به این که ثبات سیاسی یکی از مهمترین عوامل در تعیین موفقیت و یا عدم موفقیت همگرایی اقتصادی

است، فقدان ثبات سیاسی و به تبع آن عدم مشروعیت سیاسی این کشورها مانع مهمی در پیشرفت همکاری‌ها در چارچوب این سازمان است.

۲- با توجه به آنچه گفته شد، مشارکت سیاسی در این جمهوری‌ها بسیار ضعیف بوده و احزاب مخالف نمی‌توانند سهمی از قدرت داشته باشند. این امر نشان‌دهنده عدم توجه به خواست مردم و افکار عمومی است. که فقدان آن تأثیری منفی را بر روند همکاری در کشور با توجه به فقدان پشتوانه افکار عمومی و رضایت اکثریت مردم دارد. تلفیق بحران عدم مشروعیت سیاسی نظام‌های حاکم با بحران هویت، حاکم کشورهای مورد بحث را با مسائل بنیادین روبرو می‌سازد که راه حل آن مشارکت در سازمان اگو نبوده، بلکه انجام اصلاحات عمیق همه جانبه می‌باشد.

۳- وجود اختلافات سیاسی - امنیتی و مرزی بین اعضای یک اتحادیه حتی اگر به صورت بالفعل مسأله‌ای را در روابط آنها ایجاد نکند، به صورت بالقوه می‌تواند عاملی بحران زا در روابط اعضا باشد. در حال حاضر اختلافات ارضی بین اعضا اگو وجود دارد که آثار منفی آن به روند همکاری میان این کشورها سایه افکنده است این موضوع به ویژه در ورود جمهوری‌های تازه استقلال یافته بیشتر مصداق پیدا می‌کند. مرز بندی این کشورها در فاصله سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ انجام شده و در تعیین آن به جای مسائل ملی به مسائل اداری بیشتر توجه گردیده است و در نتیجه حاصل کار، قرار گرفتن برخی اقوام که در طول تاریخ جایگاه ثابتی نداشتند، در محدوده جمهوری‌های دیگر است. این مرز بندی موجب شده است شهرهای باستانی سمرقند و بخارا که اکثر جمعیت آن تاجیک هستند در جمهوری ازبکستان و بخشی از سرزمین‌های ازبک نشین در محدوده قزاقستان و قرقیزستان و یا بخشی از ترکمن‌ها در ازبکستان قرار گیرند.^{۶۳}

۴- با توجه به اهداف قدرت‌های خارجی در منطقه، این قدرت‌ها سعی در استفاده از اهرم‌ها در جهت دسترسی خود برای جلوگیری از گسترش همکاری میان اعضای سازمان دارند. حضور مستقیم امریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز که با تحت فشار قرار دادن دوستان خود در سازمان اگو، مانند پاکستان و ترکیه سعی دارد به نحوی مانع از تقویت این سازمان شود، خود مصداق کامل این امر است. موضعگیری‌های روسیه در مقابل عضویت کشورهای تازه استقلال یافته در اگو همان گونه که قبلاً نیز گفته شد حکایت از نفوذ قدرت‌های خارجی در کشورهای عضو دارد.

۵- پیوندهای جدید سیاسی و اقتصادی جمهوری‌های آسیای مرکزی با غرب از نوع پذیرش در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا و دریافت کمک‌های مالی بانک تازه تأسیس بازسازی و توسعه اروپا، با هر نوع تشکل استراتژیک بین اعضا اگو در تضاد خواهد بود.

۶- با توجه به پیمان‌های امنیت جمعی منعقد شده بین این جمهوری‌ها و روسیه، چنین به نظر می‌رسد که پیوندهای امنیتی و وابستگی اقتصادی این جمهوری‌ها با روسیه به هر نوع همکاری منطقه‌ای خواه استراتژیک و خواه اقتصادی، سایه خواهد افکند.

فصل پنجم: وضعیت اجتماعی و فرهنگی

آسیای مرکزی که پس از پیدایش عصر شکوهمند اسلامی اقوام ایران و ترک و گاه تیره‌هایی از مردم مسلمان چین و مغول در آن زندگی می‌کردند، زیر نظر دولت ایران با خان نشین‌های بخارا و خیوه و خوقند

اداره می‌شد و بر بخش‌هایی از آن - بی‌آنکه نظارتی وجود داشته باشد سران قبایل کوچنده ازبک و ترکمن حاکمیت داشته‌اند. آسیای مرکزی از زمان «الکساندر دوم» امپراطور تزار، زیر سلطه گسترش یافته روسیه قرار گرفت. روسیه تزاری که از زمان «پتر کبیر» متأثر از نوسازی‌های اروپایی به ویژه در امور نظامی و حکومتی شده بود، سرزمین‌های تسخیر شده را از هر لحاظ تحت سیطره و بهره‌گیری‌های خشن استعماری خود قرار داد. پس از وقوع انقلاب بلشویکی و برپایی دیوار آهنین، این منطقه از جهان نه تنها آزاد نشد، بلکه به کلی از پاره‌ای مدغم خود جدا افتاده و زیر تسلط خاص کمونیستی قرار گرفت.^{۶۴} در نتیجه کشورهای آسیای مرکزی برای مدت ۲۰۰ سال به ویژه هفتاد سال آخر تا فروپاشی شوروی، از همسایگان خود جدا و بیشتر به صورت سپر امنیتی شوروی در برابر همسایگان شرقی و جنوبی و جایی برای تأمین نیازهای اقتصادی آن ابر قدرت درآمد.^{۶۵}

یکی از اثرات این تسلط، جدا کردن مردم منطقه از تاریخ و گذشته‌های خود جوش فرهنگی با شیوه‌های گوناگون نوشتاری به صورت از میان بردن خط فارسی و اسلامی و تحمیل خط سیریلی و ناآگاه نگاه داشتن نسل‌های جدید از گذشته فرهنگی و میراث‌های نیاکان، و گفتاری از طریق تحمیل زبان روسی در سازمان‌های حکومتی و اداری و آکادمیک بود.^{۶۶}

به این ترتیب دوران اتحاد شوروی عصری را ارائه نمود که در خلال آن بسیاری از اصول فرهنگ اسلامی آسیای مرکزی از طریق سیاست‌های ضد مذهبی رسمی، برنامه‌های روسی سازی شامل اصلاح زبان، ساکن کردن روس‌ها و دیگر جمعیت‌های اروپایی در آسیای مرکزی، اصلاح آموزش و پرورش، حذف نهادهای اسلامی و طبقه روحانیون مسلمان و ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی مبتنی بر هویت‌های کتمان قومی یا تحت کنترل قرار گرفته، دستکاری شده و یاسرکوب و قلع و قمع شدند. این جمهوری‌ها نه تنها منعکس کننده ایدئولوژی شوروی بودند بلکه بخشی از تفکر تفرقه بیاندازد حکومت کن بود که اثرات آن تا زمان حاضر در بر خوردها و تعریف مجدد از قومیت و قلمرو استمرار دارد. «ناگورنوی» قره باغ و تاجیکستان، دو نمونه برای تایید این مطلب است.^{۶۷}

به این ترتیب مرزهای جمهوری‌های آسیای مرکزی در دوران تسلط شوروی به گونه‌ای طراحی شده بود که گروه‌های نژادی بزرگ تقسیم شدند.

جدا از وضعیت جمهوری‌های آسیای مرکزی، از جمله مسائل مربوط به اختلافات قومی و زبانی، تعارض بین ایران و ترکیه است. ترکیه به تازگی دست به تشکیل کشورهای ترک زبان و برقراری ارتباط بین آنهاست. تاکنون بیشتر این جمهوری‌ها الفبای خود را از روسی به لاتین تغییر داده‌اند. این امر سبب نزدیکی بیشتر آنها به ترکیه شده و رقابت بین ایران و ترکیه را تشدید خواهد نمود.^{۶۸} «پان ترکسیم» در عین حال که می‌تواند عامل وحدت کشورهای ترک زبان باشد، می‌تواند عامل جدایی شش کشور عضو ترک زبان از چهار کشور دیگر شود.

از نقطه نظر نظام‌های ارزشی و اعتقادی، جمهوری اسلامی ایران دارای یک نظام سیاسی است، در حالی که ترکیه و اعضای جدید، همه غیر مذهبی (سکولار) هستند پاکستان نیز در عین حال که اسلام را به عنوان اساس فرهنگ خود پذیرفته است، اما در مورد هدف‌های عملی، به اصول غیر مذهبی وابسته است. در این بین، تعارض اصلی بین کشور ایران و ترکیه است. ایران کشوری اسلامی است که خواهان اجرای مقررات اسلامی در روابط میان اعضای اکو و حاکمیت اصول اسلامی است. در حالی که ترکیه با این

دیدگاه موافقت ندارد. نمونه‌ای از این گونه تعارضات را می‌توان در جریان تدوین اساسنامه «بانک توسعه و تجارت اکو» مشاهده کرد و در این روند ایران خواهان آن بود که این بانک طبق اصول و مقررات اسلامی اداره شود، در حالی که ترکیه منعقد بود بانک باید بر اساس استانداردهای بین‌المللی فعالیت کند. جنبه دیگری از تعارضات ایدئولوژیک میان اعضای اکو، تعارض بین اسلام و کمونیسم است. هر چند امروز دیگر ایدئولوژی کمونیسم به صورت سابق وجود ندارد، ولی هنوز رگه‌هایی از اندیشه کمونیستی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و نیز افغانستان باقی مانده تا با ایدئولوژی اسلامی مقابله کند.

موانع موجود در روند همکاری میان اعضای اکو

با توجه به توضیحات فوق، آثار مترتب بر وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشورهای عضو اکو بر روند همکاری سازمان اکو عبارت است از:

۱- وجود اختلافات قومی و زبانی در اکو، از جمله موانع موجود در روند همکاری است. در میان کشورهای عضو اکو، دو نژاد بزرگ فارس و ترک وجود دارد. هر چند وجود این دو نژاد بزرگ سبب نوعی انسجام بین مردم خواهد شد، اما در عین حال اختلاف بین آنها (فارس‌ها و ترک‌ها) در روند همکاری ایجاد مشکل می‌کند.

۲- تقسیمات نژادی، زبان متعدد موجود در داخل کشورهای عضو اکو، تهدیدی علیه ثبات و آرامش این کشورها به شمار می‌رود. این امر به ویژه در جمهوری‌های آسیای مرکزی مصداق پیدا می‌کند.

۳- تعلق به نظام‌های ارزشی و اعتقادی متفاوت، موجب اختلاف دیدگاه‌ها در زمینه مسائل مربوط به همکاری و موضع‌گیری‌های داخل سازمان است که تأثیری منفی بر روند همکاری خواهد داشت.

فصل ششم: روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های تازه استقلال یافته عضو اکو

پس از دو قرن سلطه حکومت تزاری و کمونیستی، کشورهای نوپای آسیای مرکزی با سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق در دوازدهم دسامبر ۱۹۹۱، استقلال خود را باز یافتند. این واقعه تاریخی (سقوط و فروپاشی شوروی سابق) آخرین مرحله از فروپاشی امپراتوری‌ها بود. از سوی دیگر، این افول به پایان جنگ سرد که رفتار بازیگران بین‌المللی را برای مدت بیش از چهل سال شکل می‌داد، انجامید و ظهور روندهای جدید در سیستم بین‌المللی را موجب گردید. مطرح شدن اختلافات سنتی، افزایش نقش متغیرهای داخلی، تعیین جهت سیاست‌های منطقه‌ای توسط کشورهای آن منطقه و ایجاد تغییرات در ساختار جغرافیای سیاسی مناطق از آن جمله است، اما این روندها بیشتر در سطحی کلی جای می‌گیرند. نتیجه‌ی اخص اضمحلال شوروی، تولد پانزده جمهوری جدید در قالب جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع بود. در میان این جمهوری‌های جدید، کشورهای آسیای مرکزی به دلایل جغرافیایی و تاریخی برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بیشتری برخوردارند.^{۶۹}

جمهوری اسلامی ایران به دلیل هم‌مرزی با پنج کشور تازه استقلال یافته (فدراسیون روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان سه جمهوری آن عضو اکو هستند) از طریق زمینی و دریا، از موقعیتی انحصاری برتر در جهان برخوردار است و هیچ کشور دیگری با این تعداد از کشورهای

تازه استقلال یافته هم مرز نیست.^{۷۰}

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت خاص خود در جوار مرزهای آسیای مرکزی و در حد فاصل دو قاره آمریکا و آسیا و امکان دسترسی به آب‌های آزاد، جایگاه مهمی را از نظر ژئوپولیتیکی به خود اختصاص داده است. به گونه‌ای که بعد از روسیه از لحاظ ژئوپولیتیکی، دومین تکیه‌گاه مهم این جمهوری‌ها به شمار می‌رود موفقیت جغرافیایی ممتاز، ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه اقتصادی و ثبات سیاسی به همراه دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس، تجارب دریایی، تجهیزات پیشرفته و پتانسیل‌های موجود، ایران را به عنوان یک قدرت دریایی در منطقه مطرح می‌کند.^{۷۱}

برای بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با این کشورها، اشاره به این نکته ضروری است که پس از فروپاشی شوروی و تولد جمهوری‌های آسیای مرکزی، ایران جهت‌گیری سیاست خارجی برون‌گرایی را با عنصر منطقه‌گرایی تلفیق نموده است.

در دوران جنگ سرد، اهمیت نفت برای سیاست‌های اقتصادی ایران و موفقیت ژئواستراتژیک خلیج فارس موجب شده بود تا این کشور به اتخاذ سیاسی «برون‌گرا» توجه داشته باشد. ایران اکنون و بعد از دوران جنگ سرد در نظر دارد جهت‌گیری برون‌گرایی را مکمل رفتار منطقه‌ای خود سازد و ایفای نقش رابط میان آسیای مرکزی و خلیج فارس را بر عهده گیرد.

در این راستا آنچه در درجه اول برای ایران اهمیت دارد، تأمین امنیت در منطقه است؛ چراکه از دید ایران، آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل شرایط خاص ژئوپولیتیک خود تا حدود زیادی بر چگونگی امنیت در منطقه تأثیر گذار است. یکی از کارهای مهمی که به اعتقاد مسؤولان در نظام جمهوری اسلامی ایران باید انجام شود، مرتبط کردن امنیت خلیج فارس با امنیت دریای خزر است؛ زیرا این دو نقطه از لحاظ نقشی که در چرخه اقتصاد دنیا دارند، بسیار حائز اهمیت هستند.^{۷۲}

از سوی دیگر، ایران امنیت ملی را از امنیت منطقه‌ای و جهانی جدا نمی‌کند و مخالف دیدگاهی است که امنیت ملی را حتی از طریق بر هم خوردن امنیت منطقه و یا جهان خواستار است. از نظر مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی که از طریق بر هم خوردن امنیت همسایگان به دست می‌آید، امنیتی موقتی و گذرا خواهد بود، و تنها امنیتی سازگار است که امنیت همسایگان و امنیت منطقه و بالاخره امنیت جهان را تضمین کند.

با توجه به همین نکته است که ایران، مبانی امنیت ملی خود را تعریف کرده و امنیت ملی خود را در بستر امنیت منطقه‌ای جستجو می‌کند و تلاش‌هایی را که برای برقراری امنیت چه در حوزه خلیج فارس و چه در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز انجام می‌دهد در راستای همین استراتژی است که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق برقراری صلح و امنیت در منطقه قوام می‌گیرد.^{۷۳}

تلاش ایران در جهت نیل به یک راه حل سیاسی برای حل بحران قره باغ و موضعگیری صریحش در قبال منازعه آذربایجان و ارمنستان و همچنین پیشگامی وی برای تشکیل شورای همکاری دریای خزر به منظور حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری مناسب از منابع دریا توسط کشورهای اطراف و نیز تأکید ایران بر مشخص شدن رژیم حقوقی دریایی خزر، دقیقاً در راستای همین سیاست است تا مسائل و مشکلات منطقه‌ای توسط کشورهای منطقه حل و فصل شود و در جو ثبات و آرامش، محیط مناسبی برای همکاری‌های منطقه‌ای فراهم آید.

محور عمده دیگر سیاست خارجی ایران پس از موضوع تأمین امنیت، منطقه توسعه و گسترش همکاری‌های اقتصادی با جمهوری‌های تازه استقلال یافته به ویژه اعضای اکو است. برای تحقق این هدف، ایران فرصت‌های تازه و موفقیت منحصر به فردی را در مقایسه با دیگر کشورها داراست؛ چرا که از یک جهت در شمال شبکه‌ای از خطوط ارتباطی جاده‌ای و بنادر در دست احداث و در حال توسعه در ساحل جنوبی دریای خزر و نیز راه آهن سرتاسری شمال به جنوب که دریای خزر را به خلیج فارس متصل می‌کند، همچنین بنادر بزرگ تجاری در سواحل خلیج فارس و دریای عمان را در دست دارد و در نتیجه می‌تواند نقش عمده‌ای به عنوان پل ارتباطی بین این جمهوری‌ها با دیگر نقاط جهان ایفا نماید.

تلاش جمهوری اسلامی ایران در این راستا منجر به تحقق احداث پروژه راه آهن بافق بندر عباس با خطی به طول ۷۰۰ کیلومتر شد که شاهراه بزرگ اروپا به آسیای مرکزی و قفقاز را به خلیج فارس و آب‌های آزاد جهان متصل می‌کند. با افتتاح این خط که ارتباط مستقیم با نیاز کشورهای همسایه دارد، کشورهای آسیای مرکزی از طریق شبکه راه آهن به خلیج فارس و دیگر نقاط دنیا راه می‌یابند. بهره برداری از طرح راه آهن مشهد - سرخس تاجن که در واقع ادامه و تکمیل راه آهن بافق - بندر عباس می‌باشد و طول آن ۲۶۲۰ کیلومتر است، می‌تواند مرکزیت جمهوری اسلامی ایران را به عنوان بهترین مسیر حمل و نقل و ترافیک با کشورهای مشترک المنافع به ویژه آسیای مرکزی تثبیت نماید.^{۷۴}

با بهره‌برداری از این طرح، زمینه اتصال دریای خزر به خلیج فارس از طریق ایستگاه راه آهن بندر ترکمن گرمسار - تهران - بافق - بندر عباس نیز فراهم می‌شود که مسیر مناسب دیگری را در اختیار این جمهوری قرار می‌دهد. همچنین با انجام هماهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکمنستان، راه مواصلاتی دیگری شامل ساخت یک خط راه آهن به طول ۷۰ کیلومتر در ترکمنستان و دیگری به طول ۱۵۰ کیلومتر در ایران، قادر به اتصال به شبکه‌های خط آهن آسیای مرکزی و ایران است.^{۷۵}

در مورد دسترسی - بنادر دریایی، جمهوری‌های شوروی سابق که فاقد هر گونه تسهیلات بندری بوده و الزاماً نباید از امکانات کشورهای ساحلی همسایه استفاده کنند، در این خصوص نیز تجارب دریایی و توجه ویژه ایران به توسعه بنادر کشور، ایران را به عنوان یک قدرت دریایی همراه با حسن نیت و عنایت خاص به جمهوری‌های آسیای مرکزی مطرح می‌کند و این فرصت را به آنان می‌دهد که از تجارب و امکانات کشورمان استفاده کنند. و از این طریق وارد شبکه گسترده دریانوردی بین‌المللی شوند.

برای آگاهی از آنچه که تاکنون برای عملی کردن هدف‌های یاد شده که انجام گرفته است و همچنین آگاهی از میزان گسترش روابط ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی عضو اکو، قراردادهای دو جانبه و چند جانبه حاکم به روابط فیما بین را بررسی می‌کنیم.

قراردادهای چند جانبه

از مهمترین قراردادهای چند جانبه‌ای که نظام حقوقی حاکم بر روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق را تشکیل می‌دهد، «عهدنامه از میر» و سایر مصوبات مربوط به سازمان همکاری اقتصادی اکو می‌باشد که عمده ترین محور فعالیت آن طبق «عهدنامه از میر» و پروتکل‌های الحاقی آن، انجام فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی است.

به موجب پروتکل، تعرفه‌های ترجیحی اکو مصوب سال ۱۹۹۱ و همچنین پروتکل الحاقی

تعرفه‌های ترجیحی (مصوب سال ۱۹۹۲) منعقد بین جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و پاکستان، طرف‌های قرارداد برای کالاهای وارداتی از کشورهای یکدیگر کاهش در تعرفه‌های گمرکی در نظر گرفته‌اند. نظر به این که جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق پس از کسب استقلال موفق به ایجاد یک نظام گمرکی مشخص و مدرن نگردیده‌اند. در حال حاضر پروتکل‌های تعرفه‌های ترجیحی اکو در مورد این کشورها موضوعیت نیافته است، لیکن در چارچوب سایر فعالیت‌های اکو خصوصاً در زمینه حمل و نقل، اعضای جدید اکو حضور فعالی در این سازمان داشته‌اند. مصوبات کمیته‌های تخصصی اکو و سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به آن، یکی دیگر از موارد همکاری در چارچوب قرار دادهای چند جانبه ایران به این جمهوری‌هاست.^{۷۶}

از دیگر موارد همکاری در محدوده قرار دادهای چند جانبه، سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان‌های تخصصی وابسته به آن مانند بانک توسعه اسلامی می‌باشد که به دلیل عضویت ایران و جمهوری‌های مورد بحث در این سازمان‌ها، اصول و قواعد مشترک برای آنها حاکم گردیده است.

عقد قراردادهای سه جانبه ترانزیت کالا بین کشورهای مورد بحث، جمهوری اسلامی ایران و کشورهای ثالث، از مواردی است که جمهوری‌های آسیای مرکزی برای آن اشتیاق فراوانی نشان می‌دهند. نمونه این قرار داد، موافقتنامه بزرگ انتقال گاز ترکمنستان از طریق خاک ایران به ترکیه و بازارهای جهانی است. امضای یاد داشت سه جانبه فیما بین ایران، هند و ترکمنستان برای انتقال کالاهای ساخت هند از طریق خاک ایران به ترکمنستان در فروردین ماه ۱۳۷۴، از مقوله‌های فوق الذکر می‌باشد.

قراردادهای دو جانبه

عقد قراردادهای چند جانبه جمهوری اسلامی ایران طی چند سال اخیر، تعداد زیادی قرارداد دو جانبه با این جمهوری‌ها در زمینه حمل و نقل کشتیرانی، علمی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی منعقد کرده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

۱- قراردادهای حمل و نقل: بخش اعظم موافقتنامه جهانی که تاکنون بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی منعقد شده است، در خصوص حمل و نقل جاده‌ای می‌باشد که عناوین آنها به شرح زیر است:

الف- موافقتنامه حمل و نقل جاده‌ای فیما بین ایران و قزاقستان؛

ب- موافقتنامه حمل و نقل جاده‌ای فیما بین ایران و قرقیزستان؛

ج- موافقتنامه حمل و نقل جاده‌ای فیما بین ایران و ازبکستان؛

د- موافقتنامه حمل و نقل جاده‌ای فیما بین ایران و تاجیکستان.

دو موافقتنامه حمل و نقل هوایی نیز بین ایران و دو کشور قزاقستان و قرقیزستان به امضاء رسیده است.

۲- قراردادهای کشتیرانی: تاکنون دولت جمهوری اسلامی ایران در موافقتنامه کشتیرانی تجاری دریایی با دو کشور قزاقستان و ترکمنستان امضاء نموده است.

۳- قراردادهای علمی، فرهنگی و آموزشی:

قراردادهای منعقد در این زمینه‌ها از جمله اولین قراردادهای فیما بین ایران و کشورهای مورد بحث است در سال ۱۳۷۲؛ جمهوری اسلامی ایران سه موافقتنامه با جمهوری‌های قزاقستان، ترکمنستان و

قرقیزستان منعقد نمود که در همان سال مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. سه موافقتنامه مزبور دارای متنی واحد و استاندارد بود و رئوس توافق عبارت از همکاری در زمینه‌های هنری، ورزشی، علمی، آموزشی و فرهنگی می‌باشد.^{۷۸}

۴- قراردادهای اقتصادی و بازرگانی:

متأسفانه روابط کشورهای آسیای مرکزی با ایران در امور صنعتی و بازرگانی در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد. همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، استفاده از عملکرد ایران به منظور انتقال و ترانزیت کالا از کشورهای تازه استقلال یافته به جهان خارج و بالعکس، موضوع اکثر موافقتنامه‌هایی است که تاکنون بین ایران و کشورهای مذکور منعقد شده است. (طبق آمار رسمی، طی شش ماهه اول سال ۱۳۷۳، یک میلیون تن کالا از خاک جمهوری اسلامی ایران به کشورهای آسیای مرکزی ترانزیت شده است). و این درحالی است که طی سال‌های اخیر در قراردادهای منعقد شده بین کشورهای تازه استقلال یافته با کشورهای جهان، همکاری‌های صنعتی، بانکی، اقتصادی و بازرگانی عمده‌ترین محور بوده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به قراردادهایی که این جمهوری‌ها در زمینه‌های اقتصادی و صنعتی با شرکت‌های امریکایی، اروپایی، اسرائیلی، ترک و حتی لبنانی منعقد کرده‌اند، اشاره کرد در حالی که تا به حال صرفاً یک موافقتنامه بازرگانی بین ایران و این کشورها امضاء شده است و آن موافقتنامه بازرگانی بین ایران و قزاقستان است که در تاریخ سوم مرداد ۱۳۷۴، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

موضوعی را که در بحث پیرامون روابط ایران با کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی باید به آن توجه نمود، ناخشنودی قدرت‌های بزرگ از جمله امریکا از گسترش روابط کشورهای مذکور با ایران است. در حقیقت می‌توان گفت که سقوط شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ باعث کم ارزش شدن ایران در محاسبات مربوط به ثبات سیاسی و تعادل قوا در دو منطقه حساس آسیای مرکزی و قفقاز و پیوند این دو منطقه با خلیج فارس از یک سو و روسیه از سوی دیگر نگردیده، بلکه غرب با توجه به شکل و ماهیت روابط خود با ایران و به دنبال وقوع انقلاب ایران، پیامدهای سقوط شوروی برای ایران را با حساسیت همیشگی دنبال می‌کند به عبارت دیگر مسأله ایران برای آنها در قالب جدیدی مطرح شده است.^{۷۹}

نگرش غرب

شناخت منظومه فکری حاکم بر نگرش غرب درباره نقش ایران در آسیای مرکزی و قفقاز برای نحوه عمل در برقراری روابط و با هدف تحقیق بخشیدن به منافع ملی، حائز اهمیت است. به طور کلی حتی در غرب و امریکا چهار نگرش نسبت به نقش ایران و آینده روابط آن با جمهوری‌های آسیای مرکزی وجود دارد. این نگرش‌ها عبارت است از: نگرش اخطارگرا، استراتژیک‌گرا، پراگماتیک و جانبدار. در نگرش اول که تفکر غالب است، حرکت ایران در مجموعه شوروی به طور عام و جمهوری‌های مسلمان به طور خاص، حرکتی مخرب توصیف می‌کند.

در قلب این دیدگاه دو مفهوم وجود دارد یکی پدیده بنیادگرایی ایران و ارتباط آن با ایران و دیگری مسأله خریدهای تسلیحاتی ایران از روسیه و سایر جمهوری‌های شوروی سابق است که هر دو پدیده تهدیدکننده صلح و ثبات در منطقه معرفی می‌شوند پیامد این طرز نگرش مواجه دانستن جمهوری‌های آسیای مرکزی با دو مدل جهت پیروی است: یکی مدل تئوکراتیک ایران و دیگری مدل سکولار ترکیه.

باتوجه به خطرناک بودن مدل ایران، باید از نسخه ترکیه دنباله روی شود این موضوع بحث رقابت میان ایران و ترکیه را در اکو مطرح می‌سازد که در مبحث مربوط به مشکلات فراوان همکاری در سازمان اقتصادی اکو به آن اشاره شد.

یکی دیگر از نتایج این نگرش این است که افزایش کشورهای مستقل در این منطقه که از نقطه نظر فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی ادامه طبیعی خاورمیانه محسوب می‌گردند، رنگ و بوی عربی خاورمیانه را تغییر می‌دهد و ایران برنده روند کم رنگ شدن فاکتور عربی بوده و در حوزه غیر عربی خاورمیانه یعنی آسیای مرکزی، توان بلوک بندی بیشتری پیدا می‌کند.

در هر صورت نگرش اخطارگرایانه در قالب کلی و یکپارچگی خود به خاطر نشانه روی نادرست به ایران، مضر به منافع ملی است و نباید آن را صرفاً دال بر مهم بودن ایران دانست، بلکه باید در نظر داشت که این نگرش‌ها ممکن است تبدیل به سیاست‌های عملی ضد ایران گردد. فشار امریکا به این کشورها که گاز و نفت خود را از طریق ایران عبور ندهند، از این مقوله است.

کشور دیگر قابل توجه در بررسی روابط ایران با جمهوری‌های مورد بحث روسیه است که با توجه به سابقه دیرینه سلطه بر این مناطق دارای پیوندهای بسیار قوی با آنان می‌باشد. لازم به ذکر است که ایران در برخورد با رابطه روسیه با این جمهوری‌ها، واقع‌گرایانه عمل می‌کند و این ارتباطات را تا زمانی که جمهوری‌های تازه استقلال یافته قادر به برآوردن نیازهای خود باشند طبیعی می‌داند و معتقد است اختلاف اندازی میان روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی تنها در جهت تأمین منافع امریکاست و نمی‌تواند به نفع ثبات و امنیت این کشورها باشد.^{۸۲}

ویژگی‌های روابط

با توجه به آنچه گفته شد، در مقوله روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی نکات ذیل قابل توجه می‌باشد.

۱- اکثر موافقتنامه‌های منعقدفیمابین طرفین در زمینه حمل و نقل و ترانزیت کالا بوده و روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورها صرفاً در حد معاملات تجاری موردی توسط بخش خصوصی می‌باشد که در این زمینه نیز هیچ‌گونه قرارداد تجاری بلند مدتی نیز وجود ندارد. با این حال ایران برای تجارت و ایجاد روابط اقتصادی با آسیای مرکزی دارای دو مزیت ذیل است که می‌تواند انگیزه برنامه ریزی در این زمینه باشد:

الف- تجربه و مهارت‌های فنی ایران در زمینه اکتشاف، تولید و پالایش نفت و گاز که برای کشورهای آسیای مرکزی به ویژه ترکمنستان و قزاقستان حائز اهمیت است.

ب- برخورداری ایران از منابع انرژی برای تولید کالاهای واسطه‌ای و یا مصرفی که در این مورد ایران نسبت به سایر کشورها از مزیت قابل توجهی برخوردار است.

۲- اقدامات بسیار وسیعی که در ایجاد تسهیلات برای ترانزیت کالا در ایران صورت می‌گیرد، شامل ترانزیت کالا از طریق شبکه‌های راه‌های زمینی و آبی و هوایی و نیز برای عبور لوله‌های نفت و گاز، اگر چه در بعد سیاسی از مقبولیت و توجیه فراوانی برخوردار است و حتی از دید اقتصادی موجبات کسب درآمد را برای ایران فراهم می‌سازد، ولی از نقطه نظر اقتصاد ملی و سیاست‌های صنعتی شدن کشور، الزاماً حاوی

بهترین بازده اقتصادی نیست.

نگاه اجمالی به ساختار اقتصادی ساده کشورهای تازه استقلال یافته و تلاش کشورهای غربی در جهت نفوذ و تسلط بر بازارهای این کشورها، به خوبی نشان می‌دهد که هر چه ایران تسهیلات بیشتری برای عبور سریع مواد خام از کشورهای تازه استقلال یافته به سوی کشورهای غربی فراهم کند و یا عبور سریع کالاهای صنعتی از دنیای غرب به این کشورها را تأمین نماید، عملاً نقش خود را از حالت بالقوه یک پایگاه صنعتی کاهش خواهد داد. و نقش خود را تا حد یک سوزن بان راه آهن تنزل می‌دهد.^{۸۳}

با ادامه این روش، ایران با دست خود سود اصلی ناشی از ارزش افزوده فراوانی کالا و مواد را دودستی به دیگران تقدیم کرده و تنها به دریافت حق عبور و خدمات جزئی وابسته بسنده کرده است. به عنوان مثال اگر ایران موجدی را فراهم نکند که پنبه ترکمنستان یا پشم تاجیکستان در ایران به پارچه تبدیل شود و آنها را به سرعت و امانتداری فراوان به مقاصد پارچه بافی در سایر کشورها برساند و متقابلاً اجناس غربی را از پایگاه‌های تجاری مانند دبی و از مسیر بندر عباس به آسیای مرکزی هدایت کند، چیزی را نصیب خود نکرده است.

۳- سیاست خارجی ایران در ارتباط با جمهوری‌های آسیای مرکزی بر دو اصل تضمین امنیت و توسعه و گسترش همکاری‌های اقتصادی استوار است اقدامات ایران در این منطقه گویای در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی است. برخی از کارشناسان معتقدند که سیاست ایران در قبال این جمهوری‌ها دارای عناصر محتاطانه‌ای است؛ چرا که ایران سعی کرده است تنها به عنوان صادر کننده و گسترش دهنده انقلاب اسلامی این کشورها شناخته نشود به همین دلیل از مداخله مستقیم درگیری تاجیکستان اجتناب ورزیده و در عین حال روابط حسنه‌ای با دولت این کشور برقرار نموده است.^{۸۴}

۴- یکی از موضوعاتی که توافق رأی در مورد آن وجود دارد این است که ایران نقش سازنده‌ای در حل بحران‌های این منطقه‌ای نموده است. برخی از کارشناسان کشورمان اعتقاد دارند ایران نقش سازنده‌ای در تاجیکستان دارد و عده‌ای نقش آن را همپایه روسیه می‌دانند. نمایندگان سازمان امنیت و همکاری اروپا در دوشنبه نیز نقش ایران در حل و فصل درگیری‌ها مثبت می‌دانند و معتقدند که نقش ایران در آوردن احزاب به پای میز مذاکره انعطاف پذیرتر و اساسی‌تر از روسیه بوده است. به عقیده همین کارشناسان، ایران برای حل این بحران‌ها در چارچوب اصول بین‌المللی حل درگیری عمل نموده است و برای مثال در درگیری قره‌باغ، اصول سازمان امنیت و همکاری اروپا را دنبال کرده است.

این عده اضافه می‌کنند آنچه که باعث موفقیت ایران در ایفای نقش میانجی می‌شود نفوذی است که در میان بازیگران محلی دارد که البته امریکاسعی دارد از طریق نفوذ بر سازمان ملل متحد و سایر کشورها، ایران را از حل و فصل درگیری تاجیکستان کنار بگذارد.

۵- یکی از مشکلات جمهوری اسلامی ایران در برخورد با جمهوری‌های آسیای مرکزی، چگونگی برخورد با گذشته و فرهنگ مشترک است. ایران دارای تمدنی مشترک با آسیای مرکزی است. در آسیای مرکزی زبان عمده رایج ترکی است، ولی ادبیات، موسیقی و شعر آن کشورها به ایران نزدیکتر است. اهمیت این نکته، میزان تأثیر گذاری ارتباطات فکری و فرهنگی بر جنبه اقتصادی یعنی ویژگی و هدف مهم سیاست خارجی ایران در قبال این جمهوری‌ها تعیین می‌نماید. با توجه به روابط تاریخی قوی و ارتباطات نژادی و زبانی با این کشورها، در صورتی که با برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار گیرد راه‌ها را هموار خواهد ساخت.

پانوشت‌ها

- ۱- بولتن اکو، شماره ۱۱، اسفندماه ۱۳۷۱، ص ۶
- ۲- حقی، محمد علی. همکاری‌های اقتصادی، همایش و یانمایش، صنعت حمل و نقل، شماره ۱۴۵ آذر ۱۳۷۴، ص ۱۰
- ۳- علی اصغر «سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) از آغاز تاکنون» اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۷۳، ص ۴۲
- ۴- حقی، محمد علی، پیشین، ص ۱۰
- ۵- همان، ص ۱۱
- ۶- «اکو تولد دوباره یک تمدن کهن در پهنه آسیا هفته‌نامه اتاق بازرگانی و صنایع معادن ایران شماره ۲۰، سال ۱۳۷۱، ص ۵۴
- ۷- همان، ص ۱۲
- ۸- اکو تولد دوباره یک تمدن کهن در پهنه آسیا، پیشین ص ۶۶
- ۹- «اکو تولد یک قدرت اقتصاد منطقه‌ای» مناطق آزاد، شماره: ۳۰ ص ۷
- ۱۰- هفته‌نامه دبیرخانه اتاق بازرگانی و صنایع اکو، شماره ۲۰، سال ۱۳۷۱، ص ۶۵
- ۱۱- طائی علی اصغر پیشین، ص ۴۴
- ۱۲- بولتن اکو، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۷۱، ص ۸
- ۱۳- همان، ص ۹
14. Shamshad Ahmad Khon Essay Presented at time seminar of Enhancing the Effectiveness of Eco, Tehnan, 3-6 Dec 1994
- ۱۵- فور، گوگوان. «ویژگی‌ها و دورن‌های اوضاع آسیای مرکزی پس از جنگ سرد»، ترجمه محمد جواد امیدوارنیا، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۳۰، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۱۳.
- ۱۶- همان، ص ۱۱۴.
- ۱۷- همان، ص ۱۱۳.
- ۱۸- غروی، نورالدین. «نفت و نقش آن در توسعه جمهوری آذربایجان» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی قفقاز، سال دوم، شماره چهار، بهار ۱۳۷۳، ص ۳۸۶.
19. "Profile of Eco Member States, Eco looking at the future pp.107-1160
- ۲۰- فور، گوگوران. پیشین، ص ۱۲۴
- ۲۱- ثقفی عامری، ناصر. «ایران، هند و آسیای مرکزی» مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز سال دوم شماره ۴، بهار ۱۳۷۳، ص ۵۰.
- ۲۲- همان، ص ۵۱
- ۲۳- کولایی، الهه. «نقش اکو در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۷۳، ص ۷۵.
24. The Europe World Year Book, 1993, p.1460
- ۲۵- پاکدامن، رضا. «نظام حقوقی حاکم بر روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جدید»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۱۶.
26. E. I.U. , Country Report: 4th Quarter 1994, p.3
27. E.I.u. , Country Report: Turkey , 4th Quarter 1994, p.3
28. Foreign Trade, CQrfrstt Bureau of Statisties Pakistan Vol 1.30, Jan.1993, No.7, pp.204-305
29. E.I.U. Country Report: Pakistan Afghanistan, 4th. Quarter 1994, p.4.
30. E.I.U. Country Report: Cis, 4th. Quarter 1994, p.17.
31. Ibid, p.11.
32. Ibid, p.15.
33. Ibid, p.19.
34. Charles P. Kindleberger, International Economics, New York: Richard D.Irwin Inc. 1968, p.199.
35. Ibid, p.199

- ۳۶- کولایی، الهه. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی در آسیای مرکزی با تکیه بر قزاقستان، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، ص ۴۰
- ۳۷- اکتیر، شیرین، تهدیدات و تصور تهدیدات در آسیای مرکزی ترجمه مرضیه ساقیان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.
- ۳۸- همان، ص ۱۰۳.
- ۳۹- الحایکایالونن، دورنمای درحال تحول امنیت در آسیای مرکزی فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز سال پنجم، دوره دوم شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۸۴
- ۴۰- کولایی، الهه، پیشین، ص ۱۴۳.
- ۴۱- همان، ص ۴۵.
- ۴۲- سیف زاده، سیدحسین، بحران هویت ملی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره چهار، بهار ۱۳۷۳، ص ۷۶.
- ۴۳- فور، گوگوان. پیشین، ۱۱۲.
- ۴۴- سیف زاده، سیدحسین پیشین، ص ۷۷.
- ۴۵- فور، گوگوان. پیشین، ص ۱۱۱.
- ۴۶- سیف زاده، سید حسین. پیشین، ص ۷۹.
47. Daniel Franklin, "International Boundries : Ex Soviet Umion and Esastern Europe,' The World today , London, Riga, March 1992, pp. 38- 40.
- ۴۸- میر حیدر، دره. «ریشه‌های تاریخی مسائل جغرافیایی سیاسی امروز آسیای مرکزی و قفقاز سپهر دوره، شماره ۹، بهار ۱۳۷۳، ص ۳۶.
49. Border and Territorial Disputes, ed by Aland J.Day, London: Longmam, 1982,pp.16-26.
- ۵۰- ضمیمه اطلاعات، ۱۳ بهمن ۱۳۷۳، ص ۱
51. Mohammad Ziarati, "Turkish Security Policy after the Cold Var, Middle East International, No 443, 5Feb. 1993,p.19
52. Ibid.
- ۵۳- سجادیور، سید محمد کاظم «رابطه امنیت و توسعه در آسیای مرکزی و قفقاز» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره چهار، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۰۹.
- ۵۴- بروجردی، محمود. «مقاله تحولات امنیت در حوزه کشورهای بالتیک سمینار امنیت سیاست خارجی در آسیای مرکزی قفقاز، ۲۶ دی ماه ۱۳۷۴، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۵۵- همان
- ۵۶- نیکلاس مینی نین تحولات ژئوپولتیک در آسیای مرکزی قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دهم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۳۷.
- ۵۷- بولتن اکو، شماره ۱۶، مرداد ۱۳۷۲، ص ۲.
58. John W. R. Lepingwey, Kazakistan and Nuclear Weapons,"RFEIRL Research , 19 Feb. ,1993, p.592.
- ۵۹- بوتین اکو، شماره ۱۶، ص ۴.
- ۶۰- بی دیو سید محمد کاظم نگرش‌های موجود در غرب درباره رفتار ایران با جمهوری‌های شوروی سابق جمله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره دوم، پاییز سال ۱۳۷۱، ص ۹۹.
- ۶۱- محمد علی. نقش خاورمیانه عربی در آسیای مرکزی فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۷۳، ص ۳۹۵.
- ۶۲- همان، ص ۳۹۶.
- ۶۳- محمد جان گلی نوف، محمد جان- مسأله مرزها در روابط جمهوری‌های آسیای مرکزی فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۲۸۹.
- ۶۴- ناصر تکمیل همایون، نقش فرهنگ و چگونگی رفع موانع رشد هماهنگ در آسیای مرکزی فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز سال دوم، شماره چهار، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۲۷.

- ۶۵- امیدوارنیا، محمد جواد. نگاهی به امنیت در آسیای مرکزی و ملاحظات در باب آن فصلنامه و مطالعات آسیای مرکزی و فصلنامه، سال دوم، شماره چهار، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۵۱.
- ۶۶- ناصر تکمیل همایون، ناصر. پیشین، ص ۱۲۸.
- ۶۷- گرامی، جوان. هویت فرهنگی و مذهبی در آسیای مرکزی ترجمه محور شوروی، فصلنامه، مطالعات آسیای مرکزی قفقاز، سال دوم، شماره چهار، بهار ۱۳۷۳، ص ۲۱۳.
68. Amjad Ali , "prospects of Cooperation with Central Asia states", Pakistan Honizon, vol.40. No2, Apr, 1993, p.63
- ۶۹- ملکی، عباس. سخنرانی درانستجوی روابط بین الملل چینی، خرداد ۱۳۷۱.
- ۷۰- پاکدامن، رضا، پیشین، ص ۱۸۸.
- ۷۱- اسلامی کیا، بهناز. حق ترانزیت و دسترسی کشورهای اسلامی آسیای مرکزی و قفقاز به بنادر دریایی و فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۰۴
- ۷۲- آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور. سخنرانی جمیع کارشناسان و محققان شرکت کننده در سمینار امنیت و سیاست خارجی و در آسیای مرکزی قفقاز، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۴/۱۰/۲۴.
- ۷۳- دکتر ولایتی، سخنرانی در همان سمینار منبع ۱۳۷۴/۱۰/۲۴
- ۷۴- کاظمی، علی اصغر. توسعه و مسئله ترانزیت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴۰، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۰۷.
- ۷۵- اسدی کیا، بهناز، پیشین، ص ۱۰۵.
- ۷۶- پاکدامن، رضا. پیشین، ص ۱۲۰
- ۷۷- همان، ص ۱۲۰
- ۷۸- بولتن صامااكو، وزارت امور خارجه
- ۷۹- سجاد پور، سید کاظم. پیشین ص ۱۰۱
- ۸۰- همان، ص ۱۰۳
- ۸۱- آقای هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور). پیشین
- ۸۲- همان
- ۸۳- عظیمی، احمد. ملاحظات پیرامون گسترش همکاری های منطقه اكو نشریه اتاق بازرگان و صنایع معادن ایران، شماره ۸، سال ۱۳۷۴، ص ۸۱
- ۸۴- مصاحبه با ویلی ویمر معاون مجمع پارلمانی سازمان امنیت و همکاری اروپا، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی قفقاز، سال پنجم، دوره دوم شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۳۰۶.